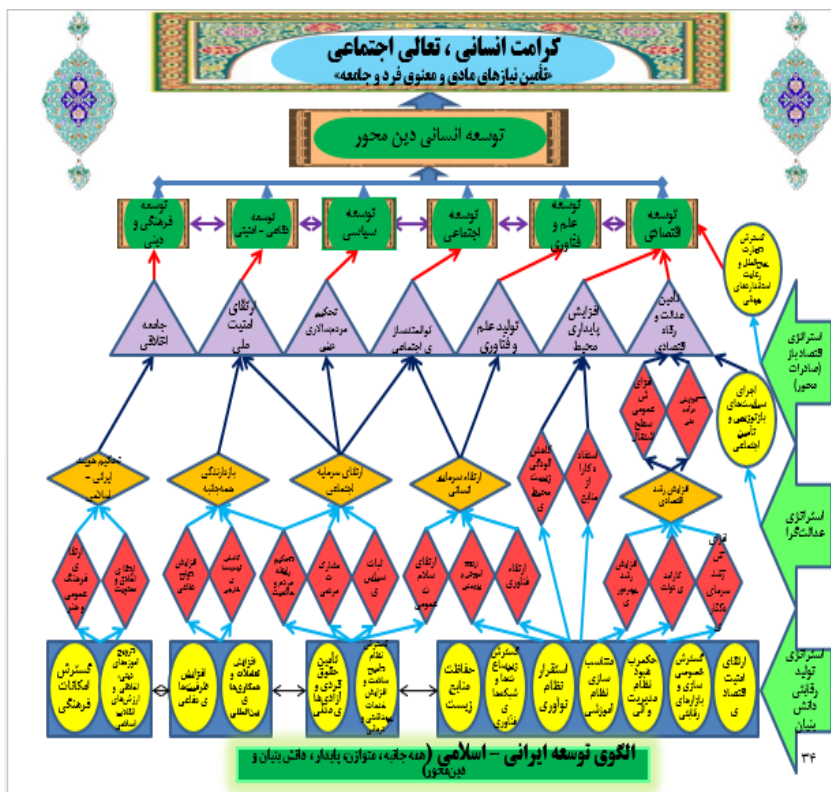


سخنرانی علمی

ارائه الگویی مناسب برای توسعه ایران



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

مدیریت تدوین و نشر منابع علمی و برگزاری نشست‌های علمی

مجموعه گزارش شماره ۱۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	
کد شناسه	۹۷-۶-۱۰۴۷
نام واحد	مدیریت تدوین و نشر منابع علمی و برگزاری نشست‌های علمی
مدیر علمی نشست	دکتر فرهاد دژپسند
سخنران نشست	دکتر محمدباقر نوبخت
تاریخ برگزاری	۱۳۹۷/۵/۲۹
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ نشر	پاییز ۱۳۹۸
بازخوانی و ویرایش	دکتر زهرا میراحسنی - خسرو نورمحمدی
صفحه آرای	محمدسعید حسن پورزرکامی
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نمی‌باشد.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع خواهد بود.	
آدرس: تهران: خیابان استاد نجات الهی - خیابان سپند - پلاک ۱۶	
https://www.dfrc.ir/ Email: info@dfrc.ir	

عنوان مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

۱.....	آقای دکتر فرهاد دژپسند
۲.....	آقای دکتر محمدباقر نوبخت
۳.....	بیان مسئله اساسی
۴.....	طرح پرسش‌های اصلی
۶.....	روش تحقیق
۸.....	اصول، ابعاد و اهداف توسعه در الگوی مطلوب توسعه
۱۵.....	مقایسه نظام‌های مختلف اقتصادی
۱۸.....	تحولات نظریه‌ها و الگوهای رشد اقتصادی
۱۹.....	مقایسه انواع استراتژی‌های توسعه از نظر اجرا
۲۱.....	چگونگی نقش دولت در اجرای استراتژی‌ها و پیاده‌کردن الگوی مطلوب توسعه
۲۵.....	جایگاه فرهنگ در الگوهای توسعه
۲۷.....	انواع بودجه‌ریزی
۳۳.....	جمع‌بندی نهایی و پیشنهادی مقدماتی برای الگوی مفهومی توسعه ایرانی - اسلامی
۳۶.....	تصاویر:

مقدمه

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری به‌منظور بررسی مسائل و مشکلات مهم و اساسی کشور در سطوح ملی، فرابخشی، بخشی و همچنین ارائه مشاوره و خدمات کارشناسی به سازمان برنامه و بودجه کشور، اقدام به برگزاری نشست‌های تخصصی با استفاده از صاحب‌نظران، اساتید دانشگاهی، مدیران، پژوهشگران و کارشناسان نموده است.

در این نشست‌ها از صاحب‌نظران دارای تخصصی متفاوت و یا مکمل دعوت شده تا به یک موضوع از زوایای و دیدگاه‌های مختلف پرداخته و با بحث، تضارب آراء و تعامل میان آنها و حاضرین در نشست، که از کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و سازمان‌های تابعه هستند، ضمن روشن‌تر شدن ابعاد موضوع، ابهامات، اشکالات و ایرادات مورد کنکاش قرار گیرد. در برخی از نشست‌ها ممکن است هدف، علاوه بر بررسی یک موضوع از زوایای مختلف، روشن کردن ابعاد اختلاف‌نظر و ابهامات تخصصی یا بررسی آینده‌های مطلوب و ممکن در قلمرو موضوع بحث باشد. با توجه به اهداف مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، نتایج برخی از نشست‌ها می‌تواند شروع یک مطالعه و پژوهش برای سیاست‌گذاری یا تدوین بسته‌های سیاستی را رقم زده و برخی نشست‌ها برای تقویت و کمک به پژوهش‌هایی باشد که در سازمان برنامه و بودجه کشور و یا مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری و یا دستگاه‌های اجرایی در دست اجرا است. همچنین ممکن است هدف نشست مقایسه تطبیقی میان نتایج پژوهش‌های انجام شده باشد. با توجه به هدف نشست‌ها که ارائه راهکارها و سیاست‌های اصلی حول موضوعات است و اینکه مستمعین شرکت‌کننده در نشست به موضوعات احاطه دارند، صاحب‌نظران معمولاً مستقیماً به اصل موضوع پرداخته و از ارائه مطالب مقدماتی تا حد امکان پرهیز می‌ورزند. امید است، نتایج این نشست‌ها مورد استفاده مدیران، جامعه علمی و تخصصی برنامه‌ریزی و توسعه کشور قرار گیرد.

علیرضا آزموده اردلان

رئیس مرکز



دکتر فرهاد درژسند

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در گزارشی به بررسی الگوی توسعه کشور در چهار دهه اخیر پرداخته است. در این بررسی به جنبه‌های مختلف برنامه‌های توسعه از جمله الگوهای غالب آن‌ها، پارادایم‌ها و شاخص‌های مختلف پرداخته شده است.

در همین راستا قصد داریم از نظرات صاحب‌نظران مختلف نیز استفاده کنیم. از همین رو از آقای دکتر نوبخت به عنوان یک صاحب‌نظر دعوت کرده‌ایم تا از نظراتشان در مورد الگوی توسعه ایران استفاده نماییم. از این رو در این جلسه ما از آقای دکتر نوبخت نه به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، بلکه به عنوان یک استاد دانشگاه دعوت کرده‌ایم. ضمناً از دوستان درخواست می‌کنیم سؤالات و نقدهای خود را به این بحث در انتهای جلسه ارائه نمایند.

آقای دکتر نوبخت شخصاً انسان متواضعی هستند بطوریکه حتی به ایشان انتقاد می‌شود که هر چند تواضع فردی امری نیکو و پسندیده است ولی به عنوان یک شخصیت حقوقی و به عنوان رئیس یک دستگاه مهم، تواضع ممکن است همه‌جا موضوعیت نداشته باشد. ولی این وظیفه ما است که اعلام کنیم که علاوه بر شخصیت اجرایی دکتر نوبخت، ایشان به عنوان یک استاد دانشگاه و پژوهشگر، کارهای علمی زیادی انجام داده‌اند که شاید به دلیل همین تواضع فردی و نیز اشتها بیشتر ایشان به کارهای اجرایی ناشناخته مانده است و شاید این وظیفه مرکز بوده است باید بعد علمی ایشان را بیشتر معرفی می‌کردیم.

در این جلسه از آقای دکتر نوبخت درخواست داریم که نتایج تحقیقات خود در مورد الگوی مناسب توسعه ایران را ارائه کنند.



دکتر محمدباقر نوبخت

تاکنون هر فرستی که برای دیدار با همکاران محترم داشته‌ام، عمدتاً به مباحث بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی معطوف بوده است یا حداقل برنامه ششم را در همین فضا مرور و آماده کردیم ولی این بار به عنوان یک محقق، برای ارائه تحقیقاتی علمی در خدمتان هستم که محصول مطالعاتی است که طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ یعنی حدود ۸ سال در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در قالب طرح‌های پژوهشی انجام گرفت. بنابراین آنچه امروز خدمت شما تقدیم می‌شود، تلخیصی از این مجموعه گزارشات تحقیقاتی است. البته مباحث کامل این تحقیقات در کتابی به نام الگوهای توسعه (مقدمه‌ای بر الگوی مطلوب توسعه ایرانی - اسلامی)^۱ منتشر و ارائه شده است که توصیه می‌کنم علاقه‌مندان به این کتاب مراجعه کنند.

چون وقت محدود است نمی‌توان به همه ابعاد این تحقیق وسیع پرداخت بنابراین بخش‌های خاصی را می‌توانستم برای ارائه در این جلسه آن‌هم به صورت خلاصه‌وار انتخاب کنم با این حال سعی می‌کنم در حد مقدور ابتدا به مسئله اساسی تحقیق بپردازم و در ادامه به طرح پرسش‌های اصلی، روش تحقیق، اصول، ابعاد و اهداف توسعه در الگوی مطلوب توسعه، مقایسه نظام‌های مختلف اقتصادی، تحولات نظریه‌ها و الگوهای رشد اقتصادی، مقایسه انواع استراتژی‌های توسعه از نظر اجرا، چگونگی نقش دولت در اجرای استراتژی‌ها و پیاده‌کردن الگوی مطلوب توسعه، جایگاه فرهنگ در الگوهای توسعه، انواع بودجه‌ریزی و نهایتاً جمع‌بندی نهایی و پیشنهادی مقدماتی برای الگوی مفهومی توسعه ایرانی - اسلامی بپردازم.

^۱ محمد باقر نوبخت، (۱۳۹۵)، پژوهشی پیرامون الگوهای توسعه (مقدمه‌ای بر الگوی مطلوب توسعه ایرانی - اسلامی)، تهران: نشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

بیان مسئله اساسی

ما در فرادست‌ترین سند کشور - بعد از قانون اساسی - که سند چشم‌انداز است موضوعی را، تحت عنوان اینکه ایران در افق ۱۴۰۴، در جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه و کشوری توسعه‌یافته است، مطرح کردیم. آنچه که امروز می‌خواهیم از این سند مورد توجه قرار دهیم، موضوع توسعه‌یافتگی است. می‌خواهیم ببینیم توسعه‌ای که ما در سند جمهوری اسلامی ایران از آن یاد می‌کنیم، با مفاهیم مرتبط و رایج توسعه چه وجوه اشتراک و افتراقی دارد؟

در ابتدا باید اشاره کرد که ضمن وجود اصول مشترک در توسعه، به هر حال توسعه در هر جامعه‌ای مختصات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را دارد و با توسعه در جوامع دیگر متفاوت است. بنابراین آنچه که از آن به عنوان توسعه یاد می‌شود و مجموعه تحولاتی که باید در یک جامعه رخ دهد تا بگوییم آن جامعه، توسعه‌یافته است، متفاوت است با آن رخدادهایی که در برخی جوامع اتفاق می‌افتد و می‌گویند این همان توسعه است. توسعه ما و آنچه که ما می‌گوییم با آن‌ها متفاوت است. البته اجازه دهید ما اختلاف و افتراقمان را راجع به توسعه به مفهوم بگیریم، واژه مهم نیست چون هر واژه‌ای می‌توانیم برای آن به کار ببریم، مهم این است که چه مستفادی از این واژه صورت می‌گیرد.

مسئله اساسی پژوهش

در فرادست‌ترین سند جمهوری اسلامی ایران پس از قانون اساسی، بر

توسعه‌یافتگی کشور

در افق سال ۱۴۰۴ ه. ش، تصریح شده است.

اما مسئله اساسی این است که:

مفهوم توسعه و مفاهیم مرتبط و مورد نظر در این سند و در دیگر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران

چه وجوه اشتراک و افتراق با مفاهیم رایج توسعه دارند؟

شکل ۱: بیان مسئله اساسی پژوهش

طرح پرسش‌های اصلی

امروز می‌خواهیم پیرامون واژه توسعه مجتمع شویم تا ببینیم این واژه چه وجوه اشتراک و افتراقی با توسعه به مفهوم رایج دارد؟ و می‌خواهیم از چه روشی استفاده کنیم تا این موضوع را بیان کنیم؟ برای اینکه این اقدام صورت گیرد، ابتدا برای بحث توسعه ۷ سؤال اصلی مطرح کردم. هرچند فکر می‌کنم شما و صاحب‌نظران کشور هم می‌توانید به من کمک کنید تا برای تبیین مفهوم توسعه سؤالات بیشتری مطرح شود.

(۱) بنابراین اولین سؤال این است با توجه به تعاریف مختلف از توسعه این تعاریف خود واژه توسعه، چه وجوه اشتراک و افتراقی با مفهومی که ما در قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی داریم، دارد؟ اصول، ابعاد و اهداف این توسعه چیست؟

خدمت شما عرض خواهیم کرد توسعه‌ای که از آن صحبت می‌کنیم از نظر بنده با مفاهیم توسعه که الان در مورد آن صحبت می‌کنیم چه تطوری دارد، و ما به کدام توسعه اعتقاد داریم؟

(۲) سؤال بعدی که همواره از خودمان می‌پرسیم این است که جمهوری اسلامی که از آن صحبت می‌کنیم و فراتر از آن، اسلامی که به آن اعتقاد داریم، دارای الگوی اقتصادی است؟ این همه مکتب‌های اقتصادی وجود دارد، آیا می‌توان گفت که ما با برخی از این مکاتب قرابت داریم؟ آیا جمهوری اسلامی ایران از میان مکتب‌های اقتصادی که در حال حاضر رایج است، مکتبی را می‌تواند استفاده کند؟ یا بگوید که من همانند این مکتب فکر می‌کنم؟ یکی از سؤالاتی که امروز روی آن تأکید خواهیم کرد این است که از این مکتب‌ها و نظام‌های اقتصادی، مفهوم توسعه اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به کدام یک از این اقتصادها و مکاتب نزدیک‌تر است؟

(۳) ما قطعاً رشد اقتصادی را یکی از عوامل توسعه می‌دانیم و در تمامی مفاهیم رایج توسعه، یکی از شاخص‌ها رشد اقتصادی است. حال سؤال این است که این رشد اقتصادی با کدام مدل و الگو باید تحقق یابد؟

(۴) موضوع بعدی این است که وقتی ما از توسعه صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم به توسعه برسیم، باید برای توسعه استراتژی انتخاب کرده یا متصور باشیم و ما کدام استراتژی را می‌توانیم به عنوان استراتژی توسعه مورد نظر جمهوری اسلامی ایران بپذیریم؟

(۵) موضوع بعدی این است که دولت در این توسعه چه نقشی دارد؟ جایگاه دولت در توسعه مطلوب و مورد نظر چیست؟ نقش دولت را باید در اینجا برجسته کنیم که شاید یکی از نقاط افتراق و اشتراک با سایر مکاتب همین تلقی ما از دولت در مسیر توسعه است.

(۶) موضوع بعدی فرهنگ است. ما یک کشور هنجاری هستیم. در جمهوری اسلامی ایران فرهنگ و دین جایگاه رفیعی دارد، حال سؤال جدی این است که دین در توسعه چه جایگاهی دارد؟ آیا دین در توسعه می‌تواند نقش داشته باشد؟

۷) نهایتاً شما نمی‌توانید به توسعه دست پیدا کنید، مگر اینکه برنامه‌ای داشته باشید. برنامه یعنی یک نقشه راه از وضع موجود به سمت وضع مطلوب. توسعه وضع مطلوب ما است. وقتی می‌خواهیم از وضع موجود به سمت وضع مطلوب برویم، باید برنامه و سیاست داشته باشیم. البته همه کشورها از برنامه استفاده نمی‌کنند، برخی از کشورها با برنامه به سمت توسعه می‌روند. برخی از کشورها سیاست دارند و با سیاست‌های خود به سمت توسعه پیش می‌روند. به هر حال چه سیاست و چه برنامه داشته باشیم، آنچه می‌خواهد متعین شود و روی زمین بیاید و ما را گام‌به‌گام به سمت توسعه ببرد، بودجه سنواتی است. برنامه‌های یک‌ساله یا سیاست‌های یک‌ساله در بودجه متعین است. البته امروز بودجه در دنیا نقش و کارکردهای مختلفی دارد.

البته بودجه‌های دو ساله و سه ساله هم وجود دارد، اما ساختار آن بودجه است. اما اگر قرار است چه از طریق سیاست و چه از طریق برنامه نهایتاً راهمان به سوی توسعه را هموار کنیم حتماً به بودجه‌ریزی نیاز داریم، و سؤال این است که این بودجه باید دارای چه شکل و ماهیتی باشد؟

طرح پرسش‌های اصلی پژوهش

۱. با توجه به تعاریف مختلف از توسعه، کدام‌یک از انواع توسعه، با مفاهیم قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله در مورد جامعه آرمانی و توسعه‌یافته انطباق بیشتری دارد؟ و اصول، ابعاد و اهداف این توسعه کدام است؟
۲. از انواع نظام‌های اقتصادی، کدام نظام اقتصادی در الگوی مطلوب توسعه برای جمهوری اسلامی ایران قابل‌پذیرش است؟
۳. هرچند تاکنون الگوهای متنوعی برای ایجاد رشد اقتصادی مطرح شده است، جمهوری اسلامی ایران، برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه، که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله تعیین شده است، چه الگوی رشدی را باید عملاً به کار گیرد؟
۴. با عنایت به اینکه تاکنون کشورها، برای دستیابی به توسعه عملاً استراتژی‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند، استراتژی متناسب با الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟
۵. نقش دولت در اجرای استراتژی‌ها و پیاده کردن الگوی مطلوب توسعه در کشور باید چگونه باشد؟
۶. با تأکید بر دین‌محور بودن نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ چه جایگاهی در الگوی توسعه مورد نظر خواهد داشت؟
۷. با توجه به اینکه بودجه‌های سالانه ابزار مهمی در عملیاتی نمودن برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت هستند، چه ساختاری برای نظام بودجه‌ریزی ایران در راستای تحقق سیاست‌های فرادستی توسعه، مناسب خواهد بود؟

شکل ۲: پرسش‌های اصلی پژوهش

روش تحقیق

بنده این ۷ سؤال را در قالب کار مطالعاتی و پژوهشی پاسخ داده‌ام و می‌خواهم به اختصار آن را خدمت شما در این جلسه عرض کنم و متقابلاً از نظرات و نگرش شما استفاده کنم. می‌خواهیم برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها به روش علمی عمل کنیم. بنده تلاش کردم که بحث را با همان سازوکارها و متدلوژی‌ها که تحقیق با آن انجام می‌شود، پیش ببرم. چون هر کار تحقیقی باید در سه مرحله انجام شود.

به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های مطرح‌شده،

ابتدا: با روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، مبانی نظری موضوعات مرتبط در مکاتب رایج و رویکردهای اسناد فرادستی نظام گردآوری گردید و تجارب ملی و بین‌المللی در حوزه عملکرد مفاهیم نظری بررسی شد. سپس: با روش تحلیل مقایسه‌ای در هر مورد مباحث نظری با اسناد فرادستی تطبیق گردید و نهایتاً: با روش فراتحلیل، پرسش‌ها جمع‌بندی و پاسخ داده شد. در خاتمه نیز یک الگوی مفهومی از توسعه ایرانی - اسلامی پیشنهاد شده است.

شکل ۳: روش تحقیق

بنده به روش کتابخانه‌ای و میدانی، اطلاعاتی را پیرامون این ۷ سؤال جمع‌آوری کردم. چون ما در این ۷ سؤال در واقع دنبال این هستیم که ببینیم راجع به توسعه، استراتژی توسعه، اقتصاد، مدل‌های اقتصادی، دولت، فرهنگ و بودجه و امثال آن گفته می‌شود، چه نظری داریم؟ پس اول باید ببینیم دیگران چه می‌گویند؟ اصطلاحات رایج چیست؟ به همین جهت بخش مهمی از این گزارش که در آن کتاب آمده به مرور مبانی نظری معطوف است. به‌گونه‌ای که دانشمندان از نظر تئوریک دارای چه دیدگاه‌هایی هستند. از روش کتابخانه‌ای و میدانی برای جستجوی منابع استفاده شده است. از لحاظ نظری و تئوریک راجع به هر یک از هفت مفهومی که ارائه شد، مباحث نظری در قالب مکتب‌های مختلف گردآوری شده و در یک بخش احصاء شده است. یعنی تجارب جهانی راجع به هفت سؤالی که مطرح شده بررسی و ارائه شده است. همه مبانی نظری است. البته مبانی نظری تفصیلی‌تر از ظرفیت معمول یک کار پژوهشی ارائه شده است، چون در نظر بود یک منبع کامل برای پژوهشگران و دانشجویان ارائه شود. در مورد جمهوری اسلامی ایران اگر بنده یا دیگران نظر شخصی خود را ارائه کنند صحیح نیست بلکه باید اسناد جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان ملاک و مبنا قرار دهیم و بگوییم جمهوری اسلامی این را می‌گوید.

هر جا نظری نسبت به جمهوری اسلامی ایران بیان می شود، بلافاصله سند مشخص شده که به کدام سند استناد شود. در خیلی موارد ممکن است افرادی نظرشان را ارائه کنند آن را به حساب جمهوری اسلامی ایران یا مردم می گذارند که کاری علمی نیست.

اما در این تحقیق هر مطلبی که گفته شود، بلافاصله منبع آن ارائه شده است. و برای راهنمایی بیشتر اساتید و پژوهشگران و دانشجویان و سایر علاقه مندان تلاش کرده ام منبع را به طور کامل ارائه کنم. بنابراین کلیه اسناد فرادست توسعه در این تحقیق آورده شده است. سپس تلاش شده به یک روش علمی، تجزیه و تحلیل انجام شود. یکی از روشها تجزیه و تحلیل تطبیقی است. بنابراین در هر مورد از یک طرف مبانی نظری بحث و از طرف دیگر اسناد با هم تطبیق می شود. یا اینها این مبانی نظری مختلف و نظریه ها با تک تک اسناد ما تطبیق داده می شود که می توان گفت سند ما به کدام یک از اینها نزدیک تر است.

در آخر نیز از روش فراتحلیل یا متاآنالیز استفاده و جمع بندی انجام شده است. که نهایتاً به ما خواهد گفت تطبیق این نظریه با این سند جمهوری اسلامی ایران چه تفاوت و چه اشتراکی وجود دارد و کدام را می توان پذیرفت؟ نهایتاً از همه این روشها استفاده و یک الگوی مفهومی از توسعه ارائه شده است، که مختصر آن در اینجا ارائه می شود و برای مشروح آن می توانید به کتاب «الگوهای توسعه» مراجعه کنید.

اصول، ابعاد و اهداف توسعه در الگوی مطلوب توسعه

پرسش اول و پاسخ آن

در مورد توسعه، اصول، ابعاد و اهداف آن در الگوی مطلوب توسعه

مشخصات هر یک از مفاهیم توسعه با شاخص‌های مرتبط

دوره	مفهوم توسعه	نوع شاخص
۱۹۷۵-۱۹۵۰	رشد اقتصادی	اقتصادی
۱۹۹۵-۱۹۷۵	رشد اقتصادی همراه با عدالت	اقتصادی و اجتماعی
۱۹۹۵ تاکنون	توسعه انسانی و اهداف توسعه هزاره سوم	اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی

شکل ۴: پرسش اول و پاسخ آن

اولین پرسش این است که ما راجع به توسعه صحبت می‌کنیم. در اسناد فرادستان به‌خصوص در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله آورده شده که جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته است، از واژه توسعه استفاده کرده‌ایم. حال سؤال این است این توسعه کدام یک از این‌ها است؟ در این کتاب توضیح داده شده که توسعه برخلاف رشد که یک پیشینه حداقل ۲۰۰ ساله دارد، ریشه از همان زمانی که مکتب کلاسیک‌ها به وجود آمد مطرح شد، آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل» و پس از آن در سیر تطور مفاهیم کلاسیکی، نئوکلاسیکی، تاریخی، کینزی، سوسیالیستی، کمونیستی و نهادگرایی و سایر نظریات و مکاتب بحث رشد مطرح شد. اما توسعه یک مفهوم پر سابقه‌ای در ادبیات اقتصادی نیست. این واژه پس از جنگ جهانی دوم خلق شده است. پس از جنگ جهانی دوم با آن همه آلامی که به جامعه گذشت و ۸۰ میلیون نفر کشته شدند و جهان درگیر یک جنگ بزرگ با ابعاد وحشیانه در پست‌مدرنیسم شد؛ نهایتاً مسئولین روشنفکران، مسئولین و مردم به این نتیجه رسیدند برای این که بشریت را از این جنگ‌ها خلاصی یابد، باید اکسیری بیاورند تا با استفاده از آن نسبت به عدم وقوع جنگ و فقر و ... اطمینان یابند و آرامش پیدا کنند.

جدول ۱: مشخصات جوامع، وسایل رسیدن به آرمان‌های اجتماعی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن

نوع شاخص اندازه‌گیری	وسایل رسیدن به اهداف	مشخصات جزئی جامعه	مشخصات کلی جامعه
اقتصادی و اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین اجتماعی - برابری فرصت‌ها - بازتوزیع درآمدها 	<ul style="list-style-type: none"> - نبود فقر - توزیع عادلانه درآمد - دور از تبعیض - دور از فساد 	وجود عدالت اجتماعی
بهداشتی و اجتماعی	پوشش بیمه درمانی	در دسترس بودن امکانات درمانی	برخورداری از سلامت
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقاء سطح درآمد سرانه - اشتغال کامل 	تأمین نیازهای متعارف	برخوردار از رفاه مادی
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی - تعامل سازنده با جهان 	متعادل بودن بازارهای اقتصادی	دارای جایگاه اول اقتصادی در منطقه
علمی و فناوری	<ul style="list-style-type: none"> - تعامل سازنده با جهان - نواندیشی و پویایی فکری - تأکید بر جنبش نرم‌افزاری 	<ul style="list-style-type: none"> - برخوردار از دانش پیشرفته - توانا در تولید علم و فناوری - متکی بر سهم برتر نیروی انسانی - و سرمایه اجتماعی در تولید ملی 	دارای جایگاه اول علمی و فناوری در منطقه
سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - انتخابات سالم - تأمین آزادی‌های سیاسی - رعایت حقوق شهروندی - التزام به قانون 	<ul style="list-style-type: none"> - برخوردار از آزادی‌های مشروع - حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها - بهره‌مند از امنیت اجتماعی - و قضایی 	استقرار مردم‌سالاری دینی
دفاعی و امنیتی	بهره‌گیری از همه امکانات مادی و معنوی کشور در مقابله با انواع تهدیدها	<ul style="list-style-type: none"> - مستقل - مقتدر - دارای سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه - پیوستگی مردم و حکومت 	برخوردار از امنیت ملی
فرهنگی و دینی	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی - بالا بودن سطح آگاهی‌های عمومی - مبارزه با فساد 	<ul style="list-style-type: none"> - ایثارگر - مسئولیت‌پذیر - مؤمن - برخوردار از وجدان کاری - دارای انضباط - دارای روحیه کاری - الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام - تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی - استحکام نهاد خانواده 	متکی بر ارزش‌های اسلامی و اصول اخلاقی
پایداری محیطی	حفاظت از محیط‌زیست	استاندارد بودن محیط از لحاظ آلاینده‌ها	بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب

از سوی دیگر در جنگ جهانی همه کشورها درگیر جنگ، تخریب شدند. پس می‌بایست یک بازسازی هم در این کشورها صورت می‌گرفت. هم‌زمان کشورهایی از جمله مالزی و کره هم که قبلاً در استعمار بودند و مستعمره محسوب می‌شدند، آزاد شدند و می‌خواهند خودشان جبران مافات کنند. این‌ها هم دنبال این اکسیر هستند. همه این‌ها در قالب مفهومی تحت عنوان توسعه جمع شد و ما از این پس دنبال این هستیم.

جدول ۲: مقایسه مفاهیم توسعه با توسعه مطلوب از منظر اسناد فرادستی نظام با شاخص‌های اندازه‌گیری

مفهوم توسعه	نوع شاخص اندازه‌گیری
رشد اقتصادی	۱- اقتصادی
رشد اقتصادی همراه با عدالت	۱- اقتصادی ۲- اجتماعی
توسعه انسانی و اهداف توسعه هزاره سوم	۱- اقتصادی ۲- اجتماعی ۳- فرهنگی ۴- سیاسی ۵- زیست‌محیطی
توسعه مطلوب از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران	۱- اقتصادی ۲- اجتماعی ۳- فرهنگی و دینی ۴- سیاسی ۵- پایداری محیطی ۶- علمی و فناوری ۷- دفاعی و امنیتی

سه نگاه و نگرش در مورد این توسعه به وجود آمد. (۱) نظریه‌پردازان اول توسعه که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ روی این موضوع تفکر کردند. این‌ها فکر می‌کردند اگر یک رشد ۵ تا ۷ درصدی در اقتصاد ایجاد شود، می‌توان یک ثروتی را تولید کرد که باعث خرسندی مردم شود. به همین جهت اولین مدل اقتصادی مدل رشد محور بود که بتوانیم رشد اقتصادی ۵ تا ۷ درصد ایجاد کنیم. البته تفکرات نظری آن‌ها به نورث برمی‌گردد. نورث معتقد بود کشورهای جهان سوم در یک حلقه و دور باطل قرار گرفته‌اند. منابع این‌ها محدود است، درآمدشان کم است. چون درآمدشان کم است کمتر می‌توانند پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کنند، چون کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند، پس رشدشان محدود می‌شود و دائم در این دور باطل می‌چرخند. به همین جهت بحث این بود که این حلقه را بشکنند. رودن اشتاین رودن اولین نظر خود را که در این ارتباط مطرح کرد این

بود که می‌توان یک توسعه متوازن ایجاد کرد. پس از آن نظریه‌پردازان گروه دیگری اعتقاد داشتند که با رشدهای نامتوازن می‌توان این را پیش برد. انواع و اقسام این‌ها مطرح شد. رشد ۵ تا ۷ درصدی ایجاد شد، اما رضایت‌خاطر حاصل نشد. عده‌ای گفتند، علت حاصل نشدن این رضایت‌خاطر این است که بر فرض که ثروت ایجاد شد، مگر این ثروت نصیب همه خواهد شد؟ صاحبان ثروت هستند که عمده سود را می‌برند و بقیه مردم محتاج و فقیر باقی خواهند ماند. (۲) پس نظریه‌پردازان دوم معتقد بودند که باید علاوه بر بحث رشد به بازتوزیع عادلانه یا رشد همراه با عدالت هم توجه کنیم. البته متأسفانه برخی الآن فکر می‌کنند جمهوری اسلامی ایران این دیدگاه را دارد، به همین جهت پیشرفت همراه عدالت را مطرح می‌کنند. باید عرض کرد که این دیدگاه قدیمی است.

اکنون مدل‌های جدیدی وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران مشابه آن‌ها و حتی جدیدتر فکر می‌کند. ما خودمان را معطوف به رشد همراه عدالت می‌کنیم، البته چون کلمه عدالت برای ما مهم و زیباست، و آن را به کار می‌بریم برخی فکر می‌کنند جمهوری اسلامی ایران نیز صرفاً همین را می‌گوید. این تنها یک نظریه متحجرانه مربوط به ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ است. این تفکرات توسعه معتقد بود ما باید هم تولید ثروت و هم توزیع ثروت کنیم که این محصول ثروت به همه برسد. البته از طریق مالیات و روش‌های نظام تأمین اجتماعی، این اعتقاد را داشتند که ثروت ایجاد و بین همه توزیع شود، اما مردمان راضی نشدند. (۳) نظریه‌هایی که از این پس مطرح است این است که گفته می‌شود چرا فکر می‌کنید ثروت می‌تواند انسان‌ها را خوشحال کند؟ آن‌اند، شوگادا، فلاویب از این جمله‌اند. نهایت این‌ها در نظریه‌پردازان شرقی آمارتیا سن است. او معتقد است دنبال یک عامل بیرونی برای شادمانی انسان‌ها نگردیم. شادمانی انسان‌ها در خودشان است. اگر می‌خواهیم توسعه ایجاد کنیم، انسان باید توسعه پیدا کند.

حال چگونه یک انسان توسعه پیدا می‌کند؟ حرف‌های متفاوتی زده می‌شود. این‌ها معتقدند هر انسانی مجموعه‌ای از ظرفیت‌های مختلف دارد و ظرفیت‌های همه ما نیز یکسان نیست. برای مثال یکی از ما ظرفیت موسیقی، یکی دیگر ظرفیت اقتصاد، یکی دیگر ظرفیت مباحث فنی و... داریم. چرا همه باید یکسان باشیم؟ پس اگر ما بتوانیم برای انسان‌ها تنوع انتخاب بگذاریم و آن‌ها آزاد باشند هر کس می‌تواند در رشته مورد نظر خود پیش رود. اگر حال جامعه این ظرفیت را داشته باشد، برای کسی که اهل هنر است، ظرفیت رشد هنرمندی را ایجاد کند، کسی که فناور است، برایش این ظرفیت را ایجاد کند و افراد آزاد باشند که آنچه را که می‌خواهند انتخاب کنند، آن جامعه و انسان می‌تواند توسعه پیدا کند. توسعه انسانی به این معناست. اینکه می‌گوییم آزادی، فقط بحث آزادی‌های سیاسی نیست، بلکه آزادی در انتخاب است که در کتاب «توسعه به مثابه آزادی» آمارتیا سن مطرح شده است. همه حرف این کتاب این است که انسان باید آزاد باشد تا بتواند انتخاب کند.

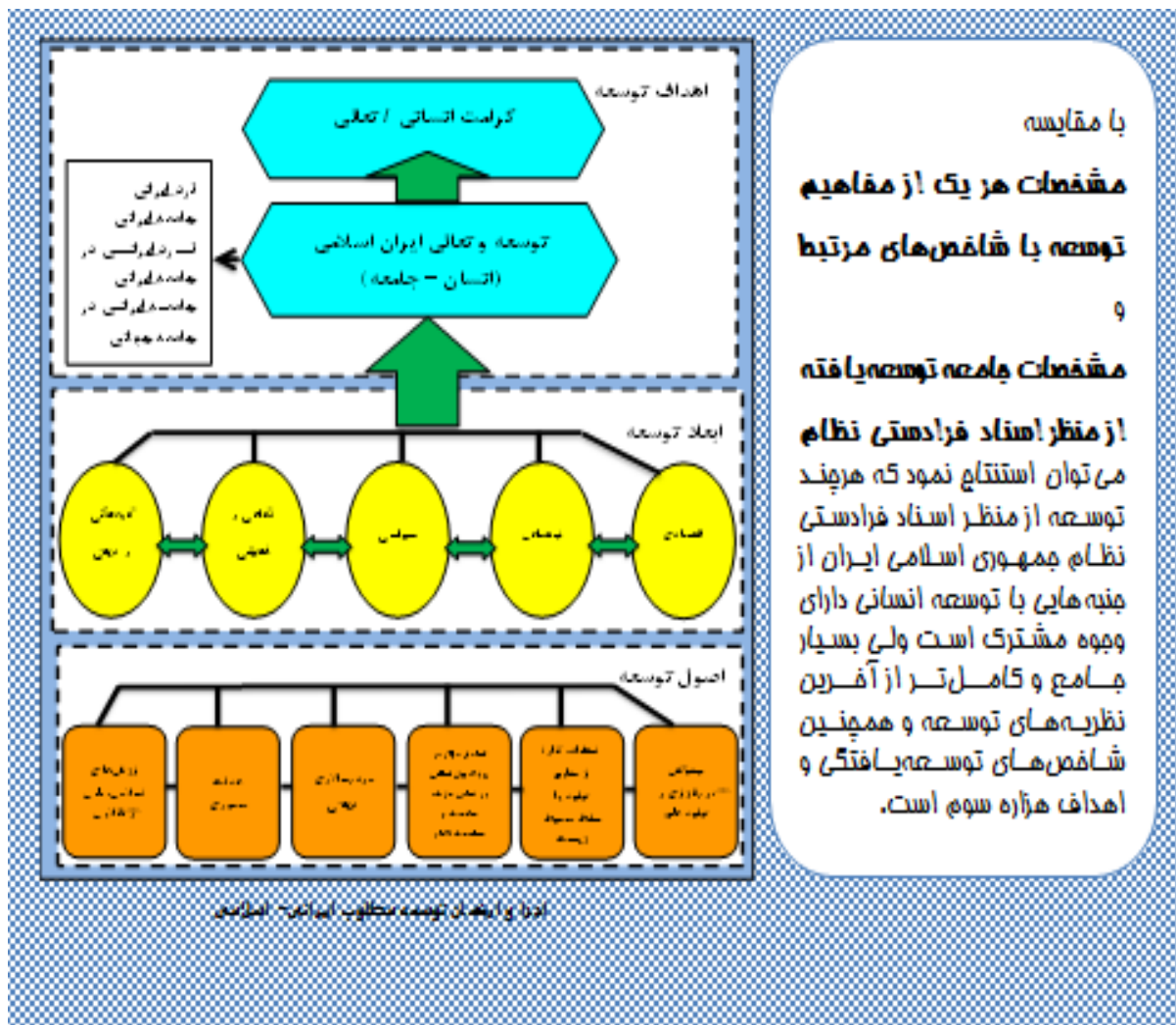
در این وادی بر اساس اینکه انسان محور آزادی است، سازمان ملل هم توسعه هزاره سوم را بر همین پایه مطرح کرد و توسعه هزاره که مطرح شده بین کشورها وفاق ایجاد کرد و شاخص‌هایی برای آن توسعه ایجاد شد. که توجه شما را به این شاخص‌ها در جدول جلب می‌کنم. در مفهوم اولیه رشد اقتصادی شاخص آن اقتصادی است، این‌ها معمولاً مجموعه‌ای از ارزش تولیدات خدمات یک دوره را نسبت به دوره مبدأ محاسبه

می‌شود که به آن رشد اقتصادی گفته می‌شود. اما اگر بحث دوره اول از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ باشد، یعنی رشد اقتصادی همراه با عدالت، دو شاخص اقتصادی و شاخص اجتماعی برای عدالت داریم. آنچه که در نظریه آمارتیا سن و نظریه هزاره مطرح است معتقدند باید ما هم از نظر اقتصادی، هم از نظر اجتماعی، هم از نظر فرهنگی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر زیست‌محیطی شاخص‌ها را بسنجیم. من به تفصیل این مطالب را در این کتاب توضیح داده‌ام.

سازمان برنامه بودجه این زحمت را کشید و بحث توسعه و مسائل هزاره را به خوبی مطرح کرد. اتفاقاً یکی از مستندات من در مرکز تحقیقات استراتژیک هم کارهای سازمان برنامه و بودجه کشور بود که از آن استفاده شد. اما جمهوری اسلامی ایران چه می‌گوید و در اسناد فرادست چه صحبتی می‌کند؟ ما در اسناد فرادستمان وقتی که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله می‌گوییم جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته است، یک سری ویژگی‌هایی می‌گوییم که می‌توان شاخص‌های اصلی را احصاء کرد. می‌گوییم جامعه‌ای است که در آن عدالت اجتماعی وجود دارد. مشخصات جزئی این جامعه نبود فقر، توزیع عادلانه درآمد، دوری از تبعیض و فساد است.

وسیله رسیدن به آن‌ها تأمین اجتماعی، برابری فرصت‌ها و باز توزیع درآمدهاست. بنابراین وجود عدالت اجتماعی را با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌سنجیم. برخورداری از سلامت که مشخصات جزئی و کلی آن گفته شد و در این دیدگاه ما شاخص‌های بهداشتی و اجتماعی داریم. در رویکرد برخورداری از رفاه مادی از شاخص‌های اقتصادی استفاده می‌کنیم. در رویکردی دارای جایگاه اول اقتصادی از شاخص اقتصادی استفاده می‌کنیم. یا در ارتباط با فناوری که می‌خواهیم دارای جایگاه اول علمی و فناوری باشیم از شاخص‌های علمی و فناوری استفاده می‌کنیم. امکان ارائه همه شاخص‌ها در این جلسه وجود ندارد. برای مطالعه دقیق‌تر می‌توانید به کتاب الگوهای توسعه مراجعه کنید.

آن‌ها را در کتاب احصاء کرده‌ایم. مشخصات جزئی هر کدام چیست؟ و راه‌های کلی آن چیست؟ منتها می‌خواهم بر اساس شاخص‌ها تقسیم‌بندی کنیم. مثلاً شاخص‌های سیاسی داریم از جمله بهبود یا برخورداری از امنیت ملی، شاخص‌های امنیتی دفاعی نیز داریم. همچنین با اتکا به ارزش‌های اسلامی و اصول اخلاقی شاخص‌های دینی و فرهنگی داریم. همچنین شاخص دیگر بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب است. اگر بخواهیم شاخص‌ها را تقسیم‌بندی کنیم، توسعه مرحله اول (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵) فقط با یک شاخص توسعه بود. ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ دو شاخص اقتصادی و اجتماعی بود. شاخص‌های توسعه هزاره، ۵ شاخصی بود و شاخص ما بر اساس اسناد فرادست ۷ شاخصی است.



شکل ۵: مشخصات توسعه

ما با ۷ بعد و شاخص توسعه را می‌پذیریم. در حالی که اولی‌ها با یک بعد، دومی‌ها با دو بعد، سومی‌ها با ۵ بعد و الی آخر. پس آنچه ما درباره مسائل اقتصادی و توسعه می‌گوییم از آن‌ها جامع‌تر است. اصول توسعه ما در این بخش آمده است. ابعاد توسعه ما آمده و نهایتاً اهداف توسعه‌ای ما هم مشخص است و آرمان‌های ما هم در این توسعه مشخص است. این مدل توسعه که بعدها مفصل‌تر راجع به آن صحبت خواهیم کرد، به غایت کامل‌تر از سه مفهوم توسعه‌ای است که تاکنون رایج بوده است. نه بر اساس اینکه چون ما به یک چنین تفکری اعتقاد داریم، بلکه بر اساس شاخص‌ها و اسناد فرادستی این مدل توسعه مطرح است. البته بعداً برمی‌گردیم و این مدل را در آن الگوی مفهومی استفاده خواهیم کرد.

بنابراین توسعه‌ای که ما دنبال آن هستیم توسعه رشد اقتصادی، توسعه و رشد اقتصادی همراه عدالت و فقط توسعه انسانی نیست، بلکه یک توسعه انسانی دین‌محور است. چون ما این مفاهیم را بر اساس هنجارها و شاخص‌های دینی هم تعریف می‌کنیم. بنابراین آنچه که ما برای جمهوری اسلامی ایران قائل هستیم، به توسعه انسانی نزدیک‌تر است، منتها مفاهیم بیشتری از توسعه انسانی مورد توجه داریم.

من راجع به توسعه انسانی خدمت شما عرض می‌کنم. درست است توسعه انسانی پنج شاخص دارد، اما با سه مؤلفه تولید سرانه، امید به زندگی و آموزش مورد بحث است. در اینجا فرهنگ دیده نمی‌شود. اما ما به فرهنگ اعتقاد داریم؛ فرهنگی که برگرفته از دین است. البته مسائل دیگری نیز هست که بعداً ارائه خواهد شد و فعلاً از کنار آن خواهیم گذشت. بنابراین از نظر مفهوم توسعه، ما به توسعه انسانی نزدیک‌تر هستیم که بسیار کامل‌تر است.

مقایسه نظام‌های مختلف اقتصادی

اما دومین بحث ما در خصوص مباحث اقتصادی است. آیا جمهوری اسلامی ایران در توسعه خود، توسعه اقتصادی می‌خواهد یا نمی‌خواهد؟ اقتصادی که مورد نظر جمهوری اسلامی ایران است، با کدام یک از انواع اقتصادهای متداول نزدیک‌تر است؟

جدول ۳: نظام‌های مختلف اقتصادی

نوع	نظام اقتصادی بازار	نظام اقتصادی برنامه‌ای	نظام اقتصادی مختلط بازار - دولت	
مکاتب	کلاسیک، نئوکلاسیک، پولی، کلاسیک جدید	سوسیالیسم و کمونیسم	کینزی - نئوکینزی - کینزی جدید	نهادگرایی - نهادگرایی جدید
مالکیت	خصوصی	دولتی	خصوصی	خصوصی و عمومی (سهامی گسترده)
مدیریت	خصوصی	دولتی	عمدتاً خصوصی با کنترل دولت	عمومی با کنترل دولت
محیط	رقابتی کامل	انحصار کامل	رقابت ناقص	رقابتی
وظایف دولت	عدم مداخله در اقتصاد	مداخله و مدیریت در اقتصاد	سیاست‌گذاری	مشارکت دولت در اقتصاد همراه با مداخله در بازار و مدیریت در تأمین اجتماعی
ساز و کار تعادل در اقتصاد	مکانیزم قیمت‌ها	برنامه‌های دولتی	مکانیزم قیمت‌ها و مداخله دولت جهت جبران نواقص بازار با ابزارهای پولی و مالی	قدرت‌های هم‌سنگ «چانه‌زنی توزیع‌کنندگان بزرگ و تولیدکنندگان بزرگ و تولیدکنندگان زیر نظر دولت»

همان‌طور که التفات دارید، تقریباً ۱۰ مکتب اقتصادی در جهان داریم. این مکاتب اقتصادی ۱۰ گانه شامل کلاسیک، نئوکلاسیک، کینزی، نئوکینزی، سوسیالیستی، تاریخی، نهادگرایی و... را اگر بخواهیم دسته‌بندی کنیم، در سه نظام قابل دسته‌بندی است.

پرسش دوم و پاسخ آن

جدول ۴: نظام مطلوب اقتصادی از منظر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با نظام‌های رایج اقتصادی

نوع	نظام اقتصادی بازار	نظام اقتصادی برنامه‌ای	نظام اقتصادی مختلط (دولت - بازار)	نظام مطلوب اقتصادی از منظر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران
مالکیت	خصوصی	دولتی	خصوصی و عمومی (سهامی گسترده)	دولتی و عمدتاً خصوصی با تأکید بر گسترش مالکیت عمومی و مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی
مدیریت	خصوصی	دولتی	عمدتاً خصوصی با کنترل دولت	عمدتاً خصوصی و غیردولتی با هدایت و نظارت دولت
محیط	رقابتی کامل	انحصار کامل	رقابت ناقص	رقابتی
وظایف دولت	عدم مداخله در اقتصاد	مداخله و مدیریت در اقتصاد	سیاست‌گذاری	سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد برای رشد اقتصادی یا مشارکت همه مردم و مأموریت عدالت‌بخشی و استقرار نظام‌های تأمین اجتماعی
سازوکار تعادل در اقتصاد	مکانیزم قیمت‌ها	برنامه‌ها و ابزارهای دولتی	مکانیزم قیمت‌ها و مداخله دولت جهت جبران نواقص بازار با ابزارهای پولی و مالی	مکانیزم قیمت‌ها - خریدهای تضمینی محصولات کشاورزی و استراتژیک و پرداخت مابه‌التفاوت‌ها برای کالاها و خدمات خاص با کنترل قیمت‌ها
قدرت‌های هم‌سنگ در چانه‌زنی توزیع‌کنندگان بزرگ و تولیدکنندگان زیر نظر دولت				

سه نظام اقتصادی داریم. من خوشحال می‌شوم اگر بتوانیم چهار نظام اقتصادی داشته باشیم. با تعریفی که بنده داشته‌ام سه نظام به شرح زیر است:

نظام اقتصاد بازار؛ اقتصاد بازار در اینجا معرفی شده است. عمدتاً کلاسیک‌ها، نئوکلاسیک‌ها، پولیون و کلاسیک‌های جدید در این نظام قرار می‌گیرند. این نظام بازار که تو ضیح داده خواهد شد که در ۵ بعد چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

نظام برنامه‌ای؛ یک نظام دیگر، نظام برنامه‌ای است. امروز در بین این بازار و این دولت، در جهان یک نظام اقتصاد جدیدی تحت عنوان نظام مختلط^۲ معرفی شده است. مکتب‌های کینزی، نئوکینزی، نهادگرایی و نهادگرایی نو را می‌توان جزء اقتصادهای مختلط دانست. اقتصاد میکس، اقتصاد دولت - بازار است. ما اقتصاد دولت - بازار هستیم. یعنی هم به بازار اعتقاد داریم هم به دولت. اینکه میزان حضور و شدت دولت و بازار چقدر باید باشد؟ کاملاً با مبحث اقتضای مرتبط می‌شود. یک مدیریت اقتضایی خواهیم داشت. مثلاً همین الآن سیاست دولت بیشتر از بازار است.

نمی‌توان به این دلیل که بازارهای اولیه ما از عدم تعادل رنج می‌برند، بگذاریم که صرفاً عرضه و تقاضا و دست نامرئی آدم‌ها سمیت قیمت‌ها را تعیین می‌کند. در این صورت ملت زیر چرخ‌دنده این تفکر اقتصادی لیبرالیستی نابود خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران به این نوع اقتصاد و بازار اعتقاد ندارد. بازار تا مادامی که بتواند اصول و شرایط و محیط لازم را داشته باشد و به کارایی منجر شود مورد قبول است، در غیر این صورت دولت باید حتماً وارد عمل شود و مدیریت کند. البته به میزانی که کنترل را رعایت کرد و وضعیت‌های لازم را ایجاد کرد، دولت باید عقب‌نشینی کند. البته همه این‌ها بر اساس اسناد فرادستی که ابلاغ شده و لازم الاجراء و لازم‌الانطباق است ارائه شده است. در بخش تطبیق و مقایسه استدلال بیشتری ارائه خواهد شد. به هر تقدیر ما نه اقتصاد لیبرالیستی هستیم و نه اقتصاد بازار و نه اقتصاد برنامه‌ای تمام دولتی. بلکه ما یک دولت بازار هستیم که به اقتضای شرایط، دولت و بازار باید نقش پررنگ‌تری داشته باشند.

در این جدول مقایسه می‌شود که ۱۰ مکتب اقتصادی در قالب این سه نظام اقتصادی به چه ترتیبی قابل تفکیک هستند؟ و ما با توجه به اسناد فرادستمان باید ببینیم آیا جمهوری اسلامی ایران اقتصاد لیبرالیستی بازار است؟ اقتصاد دولتی است؟ یا اقتصاد دولت-بازار است؟

مستند به اسناد فرادستی‌مان که در کتاب یک‌به‌یک تشریح شده که باید نتیجه گرفت جمهوری اسلامی ایران یک اقتصاد دولت بازار است. در این اقتصاد دولت - بازار، مؤلفه‌های مالکیت، مدیریت، محیط و جایگاه دولت را با اسناد فرادستمان تطبیق دادیم و این نظام را برای اقتصادمان تعریف کرده و ریز و تفصیل آن‌هم در این اسلاید و هم در کتاب ارائه شده است.

ما به کدام یک از این مکاتب و نظام‌های اقتصادی می‌توانیم تأکید کنیم؟ با کدام یک فاصله زیادی داریم؟ ضمن اینکه تفکرات ما در جمهوری اسلامی ایران چون برگرفته از تاریخ و جغرافیای ماست، لزوماً به این معنی نیست که یک همانندی با اقتصادهای موجود داشته باشیم، البته در جدول‌های مقایسه‌ای، این موارد تطبیق داده شده است.

تحولات نظریه‌ها و الگوهای رشد اقتصادی

پرسش سوم و پاسخ آن؛ تحولات نظریه‌ها و الگوهای رشد اقتصادی

- نظریه‌های رشد کلاسیکی (آدام اسمیت، ریکاردو، مالتوس، جان استوارت میل)
- نظریه‌های رشد نئوکلاسیکی
- نظریه‌های رشد مبتنی بر نیروی کار
- نظریه‌های رشد مبتنی بر بنیادگرایی سرمایه‌ای
- الگوی رشد هارود-دومار
- الگوی رشد سولو
- الگوی رشد رومر
- الگوی رشد لوکاس
- رشد از منظر اقتصاد دانش‌بنیان

شکل ۶: پرسش سوم و پاسخ آن

ادامه پرسش سوم و پاسخ آن؛ الگوی رشد موردنظر در الگوی مطلوب توسعه

اقتصادی موردنظر برای جمهوری اسلامی ایران را باید با توجه به هدف راهبردی استقرار در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی و مشخصات اعلام‌شده در اسناد فرادستی نظام به‌ویژه در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و تطبیق آن‌ها به‌ویژه شاخص‌های سنجش اقتصادی دانش‌بنیان و تصریح بهره‌گیری از این نوع اقتصاد در کشور تبیین نمود.

با لحاظ تمامی موارد با صراحت می‌توان بیان کرد که رشد اقتصادی مناسب برای الگوی مطلوب توسعه ایرانی، اسلامی کامل‌تر از الگوی رشد هارود-دومار، سولو، رومر و لوکاس بوده و از نوع رشد مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان است.

در خصوص الگوی رشد، باید با اقتصاد چه کنیم؟ می‌خواهیم در اقتصاد به رشد برسیم. همه مدل‌های رشد اعم از نظریه‌های رشد کلاسیکی، نئوکلاسیکی، رشد مبتنی بر نیروی کار، رشد مبتنی بر بنیادگرایی سرمایه‌ای، رشد هارود-دومار، سولو، رشد لوکاس و رشد اقتصاد دانش‌بنیان در این کتاب تشریح شده است. پس از آن در اسناد فرادستمان چه در چشم‌انداز و چه در سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری این‌ها مقایسه شده‌اند. و رشد اقتصادی‌مان را مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان به تفصیل با اجزای آن مشخص کرده‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم که مدل رشد ما مدل رشد اقتصاد دانش‌بنیان است که تشریح مفصل با مبانی نظری در کتاب ارائه شده است.

مقایسه انواع استراتژی‌های توسعه از نظر اجرا

پرسش چهارم و پاسخ آن؛ مقایسه انواع استراتژی‌های توسعه از نظر اجرا

- پولی
- استراتژی اقتصاد باز (اقتصاد آزاد)
- استراتژی صنعتی شدن
- انقلاب سبز (کشاورزی)
- استراتژی بازتوزیع (توزیع مجدد)
- استراتژی سوسیالیستی

شکل ۷: پرسش چهارم و پاسخ آن

بحث بعدی را که اینجا مطرح کرده‌ایم، این است که برای این توسعه‌ای که مد نظر داریم، کدام استراتژی را قبول کنیم؟ در این کتاب، استراتژی پولی - که سال‌ها در کشورهای مختلف مبنای عمل قرار گرفته - استراتژی‌ای است که بر مبنای توسعه صادرات بنا نهاده شده است. استراتژی صنعتی شدن، انقلاب سبز، استراتژی بازتوزیع که بیشتر عدالت‌محور است و بالاخره استراتژی سوسیالیستی را تشریح کردیم. سپس بر اساس تحلیل سوات^۳ استراتژی انتخاب می‌کنیم. باید حتماً نقاط قوت و ضعف، نقاط فرصت و تهدید محیطی جمهوری اسلامی ایران استخراج شود که در اینجا همه نقاط قوت و ضعف و نقاط فرصت و تهدیدها را مشخص کردیم و در همه این چهار مورد بحث شده است. سپس این‌ها را که از طریق ماتریس سوات قابل استحصال هستند، تلاقی داده‌ایم. البته در مدل مفهومی خواهیم گفت که باید در چه مرحله‌ای از هر یک از این استراتژی‌ها استفاده شود. استراتژی تولید رقابتی دانش‌بنیان، عدالت‌گرا و صادرات محور را مبتنی بر سوات و اسناد بالادستی احصا کردیم.

جدول ۴: ماتریس SWOT برای انتخاب استراتژی توسعه در جمهوری اسلامی ایران

نقاط قوت (S)	فرصت‌ها (O)
<p>برخورداری از انباشت سرمایه انسانی؛ برخورداری از منابع طبیعی غنی و منابع انرژی فسیلی و تجدیدپذیر؛ نسبت بالای جمعیت جوان در دوران سند چشم‌انداز؛ برخورداری از زیرساخت‌های فیزیکی و اقتصادی مناسب؛ برخورداری از امنیت کامل در مقایسه با کشورهای منطقه</p>	<p>افزایش اهمیت منطقه خاورمیانه به دلیل نیاز کشورهای جهان به ذخایر انرژی در منطقه؛ ایران دارای برتری نسبی بازار در عرصه مبادلات تجاری و ترانزیتی است و می‌تواند از طریق نهادسازی و ایجاد زیربنای حمل‌ونقل چندوجهی به یک قطب مهم تجاری تبدیل شود؛ امکان ایجاد همگرایی با اکثر کشورهای منطقه به دلیل وجود منافع مشترک فراوان در موضوعات مختلف منطقه‌ای؛ رشد اقتصادی کشورهای منطقه بالاتر از متوسط رشد اقتصاد جهانی و منطقه اروپا بوده است، که علت آن اقصادهای درحال توسعه و وجود ظرفیت‌های خالی در آنها است؛ ماهیت قدرت کشورهای توانایی‌های نظامی و اقتصادی به سمت توانایی‌های علمی، ارتباطاتی و اطلاعاتی در حال تغییر است.</p>
نقاط ضعف (W)	تهدیدها (T)
<p>ساختار توزیع نابرابر و پتانسیل توری در اقتصاد ایران؛ هزینه بالای مبادله و اجرا — فرار مغزها و سرمایه؛ دسترسی محدود به حقوق مالکیت؛ تعامل ضعیف با اقتصاد جهانی؛ تخریب محیط‌زیست و تحدید دسترسی به حقوق مالکیت؛ حضور سازمان‌های شبه‌دولتی در عرصه اقتصادی.</p>	<p>تنش‌های ناشی از افراطی‌گری، تروریسم که برخی از کشورهای منطقه با آن روبه‌رو هستند؛ تبدیل منطقه به منطقه‌ای با نفوذ سیاسی آمریکا که هدفش استقرار سیستمی مبتنی بر اتحاد کشورهای کوچک خلیج فارس در برابر جمهوری اسلامی ایران است؛ تحولات شتابان تکنولوژیک و روند سریع جهانی‌شدن، از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی (به‌ویژه در جهان سوم) نیز تهدیدهای جدی را متوجه امنیت ملی کشورها کرده است.</p>

پرسش چهارم و پاسخ آن؛ استراتژی مناسب در الگوی مطلوب توسعه

با عنایت به تحلیل محیط‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران و آگاهی از نقاط ضعف و قوت و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای این نظام، تلفیق استراتژی‌های تولید رقابتی دانش‌بنیان، عدالت‌گرا و اقتصاد باز (صادرات‌محور) مناسب‌ترین استراتژی برای توسعه در شرایط کنونی کشور خواهد بود.

شکل ۸: ادامه پرسش چهارم و پاسخ آن

چگونگی نقش دولت در اجرای استراتژی‌ها و پیاده‌کردن الگوی مطلوب توسعه

بحث بعدی این است که دولت در جمهوری اسلامی ایران در توسعه چه نقشی ایفا خواهد کرد؟ دولت یکی از نقاط اختلاف، افتراق و حتی تشابه بین مکتب‌های مختلف در همه عرصه‌هاست. دولت یک عنصر تعیین‌کننده است. اختلاف مکتب‌ها در همین جا ظاهر می‌شود که این‌ها به دولت چه نقشی می‌دهند؟ از قرن شانزدهم که بحث مکتب‌های (سوداگران) مطرح هست، از همان جا تک‌تک مکتب‌های مختلف را که بعضی از آن‌ها به دولت‌های بزرگ و بعضی هم به دولت‌های کوچک اعتقاد داشتند را با ویژگی‌هایشان در آنجا برشماری کرده‌ایم.

پرسش پنجم و پاسخ آن؛ چگونگی نقش دولت در اجرای استراتژی‌ها و پیاده‌کردن الگوی مطلوب توسعه

سیر تکوین نقش و جایگاه دولت در مکاتب مختلف اقتصادی	
نام مکتب	موضع مکتب در قبال وظایف و نقش دولت
مرکانتیلیسم	دولت بزرگ - کنترل تجارت خارجی - استاندارد کردن کالاها - وضع مقررات، کنترل کیفیت کالاها
فیزیوکراسی	دولت کوچک - اجرای قوانین طبیعی - تأمین امنیت - امور عام‌المنفعه - توسعه فرهنگ و پیروی از اصول تجارت آزاد
کلاسیک	دولت کوچک - تأمین امنیت داخلی و خارجی - حراست از مالکیت - تولید کالاهای عمومی پیروی از تجارت آزاد
سوسیالیسم	دولت بزرگ - مواجهه و کنترل نیروهای مولد بحران‌های اجتماعی - کنترل برنامه‌ریزی شده تجارت
مکتب تاریخی	دولت بزرگ - ایجاد نظام کنترلی - حمایت از صنایع داخلی تا مرحله بلوغ - وضع عوارض گمرکی با سایر کشورها - لغو عوارض گمرکی میان ایالت‌های آلمان - توجه به مسائل اجتماعی سیاسی
نئوکلاسیک	دولت کوچک - همان وظایف موردنظر کلاسیک‌ها - پیروی از تجارت آزاد
کینزی	دولت بزرگ - تنظیم سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در سطح کلان - مدیریت تقاضا - دخالت دولت در هدایت تجارت
نهادگرایی	استقرار قواعد بازی - پیگیری اهداف اجتماعی حمایت از مالکیت - فعالیت‌های بخش عمومی
مکتب پولی	دولت حداقل - امنیت خارجی، امنیت داخلی، کالاها عمومی، حفاظت از فقرا و کودکان، تجارت آزاد
کلاسیک‌های جدید	دولت حداقل - جایی برای فعالیت دولت در اقتصاد وجود ندارد - امنیت - تجارت آزاد
کینزی جدید	دولت بزرگ - همان وظایفی که کینز برمی‌شمارد.
رویکرد بخش عمومی	دولت فعال - تخصیص، تثبیت و توزیع

دولت رفاه	دولت بزرگ- وظایف متعارف- بهداشت عمومی، آموزش عمومی- رفاه عمومی
مکتب نوسازی	دولت بزرگ- وظایف متعارف- بهداشت عمومی، آموزش عمومی- رفاه عمومی
مکتب وابستگی	دولت بزرگ- برنامه صنعتی شدن- حمایت از صنایع داخلی و نظام گمرکی
مکتب نظام جهانی	دولت فعال- مشارکت در تقسیم کار جهانی
مکتب نتولیبرال‌ها	دولت کوچک- برتری بازار بر سایر شیوه‌های تخصیص منابع- دستیابی به رشد اقتصادی
حکمرانی خوب	کیفیت مداخله دولت- برتری بازار بر سایر شیوه‌های تخصیص منابع مشروط به وجود دست‌هدایتگر دولت- نهادهای به وجود آمده توسط حکومت جهت تحقق آرمان اقتصاد بازار- دستیابی به توسعه پایدار

شکل ۹: پرسش پنجم و پاسخ آن

قانون اساسی مهم‌ترین سند فرادست ما است. قانون اساسی به یک دولت بزرگ با اختیارات وسیع و مسئولیت گسترده اعتقاد دارد. شما قانون اساسی را بخوانید. درخصوص کار، دولت موظف است شغل درست کند. درخصوص آزادی‌های سیاسی دولت موظف است، کارهایی انجام دهد.

در همه عرصه‌های قانون اساسی به دولت مسئولیت بزرگی داده‌اند. پس در نظام جمهوری اسلامی ایران دولت مبتنی بر اصول مختلف قانون اساسی مسئولیت سنگین و گسترده‌ای دارد. متناسب با این مسئولیت، به دولت اختیار داده شده است. حتی اگر مالکیت را در اصل ۴۴ اساسی بررسی کنیم، عموم مالکیت‌ها دولتی است.

پرسش پنجم و پاسخ آن؛ نقش دولت

در قانون اساسی وظایف متعدد و متنوعی همراه با اختیاراتی گسترده به‌ویژه در حوزه اقتصاد برای دولت تعیین شده است که ظرفیتی حداکثری، برای فعالیت یک دولت بزرگ را ممکن می‌نماید.

از سوی دیگر ابلاغ سیاست‌های کلی نظام فرصتی را فراهم نمود تا تغییر رویکردی منطبق با واقعیت‌های محیطی در فضای کشور برای حضور و مشارکت بخش‌های تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی تشکیل گردد.

در این شرایط متفاوت، مأموریت دولت در حوزه اقتصاد به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت محدود گردید.

در این بازتعریف از مأموریت‌های دولت، نقش مسئولانه و هدایتگر در اندازه منطقی و اقتضایی در عرصه‌های مختلف با مشارکت آحاد مردم برای دولت در فرایند توسعه تعیین شده است.

شکل ۱۰: ادامه پرسش پنجم و پاسخ آن

بخش‌های باقیمانده که به تعاونی تعلق می‌گیرد و اگر چیزی باقی ماند برای بخش خصوصی است. ضمن اینکه قانون اساسی ما به مالکیت خصوصی افراد هم اعتقاد دارد. اما با این همه به این معنی نیست که با اختیاری که دارد خودش باید در همه زمان‌ها از آن اختیار استفاده کند. این مسئولیت با اوست و می‌تواند اختیار خودش را به بخش تعاونی و خصوصی که در کنار بخش دولتی است، واسپاری کند. بنابراین دولت یک نقش اقتضائی دارد. همان‌طور که در اقتصاد مطرح شد ما به اقتصاد دولت- بازار اعتقاد داریم، اما چقدر دولت؟ چقدر بازار؟ به اقتضا است. در دولت یازدهم که محیط کسب و کارمان آرام‌تر بود به همین جهت دولت در همان جلسه نخست (در ۱۷ شهریور ۱۳۹۲) ۳۴ مصوبه داد که تمامی قوانین و مقرراتی که دولت در عرصه کسب و کار ورود می‌کرد، را کنار گذاشت و آن‌هایی که اختیار وزرا بود، اعمال کرد. آن‌هایی که به هیئت وزیران نیاز بود، اعمال کرد. در مواردی هم که خارج این‌ها بود، قانونی تحت عنوان لایحه «رفع موانع تولید» به مجلس دادیم. سیاست دولت این بود که بخش خصوصی باید فعالیت کند، اما یکی از افراد به من گفت این دولت از دیروز تا امروز ۱۷ دستورالعمل و قاعده گذاشته که دائم در کار ما مداخله می‌کند.

چرا امروز دولت باید ورود کند؟ چون دولت خودش را مسئول می‌داند. دولت در این مرحله نمی‌تواند کنار بنشیند و کار را به عرضه و تقاضا با این همه تهدیدات بیرونی که عملاً شما مشاهده کرده‌اید، واگذار کند. در کشوری که با ارز عمده مبادلات سنجیده می‌شود. درست است مبنای پولمان ریال است، اما مبنای محاسبه ما چیست؟ در این شرایط بسیاری از مشاغل خودشان را با قیمت ارز تنظیم می‌کند. متأسفانه یک ارز جهان شمولی وجود دارد که سایه آن روی همه چیز افتاده است.

در این شرایطی که صاحبان پول و ارز تصمیم گرفته اقتصادمان را فرو بپاشد و از همه ابزارها استفاده کند، آیا درست است دولت کنار بنشیند و بگوید دست نامرئی آدام اسمیت همه مسائل را حل می‌کند؟ البته که دولت باید ورود کند و به نفع مردم تصمیمات سنجیده اتخاذ کند. اما بحث بنده دولت - بازار است. چه

مقدار دولت؟ چه مقدار بازار؟ به اقتضای شرایطی بستگی دارد که ما در آن قرار داریم. همین ارز توانسته بازار باثبات کشور همسایه ما یعنی ترکیه را هم به هم بریزد. بنابراین اینکه دولت -بازار چه شرایطی باید داشته باشد؟ در اینجا یک نقش اقتضایی است.

جایگاه فرهنگ در الگوهای توسعه

پرسش ششم و پاسخ آن؛ جایگاه فرهنگ در الگوهای توسعه

اخلاق و اقتصاد

در نیمه دوم قرن بیستم موضوع اخلاق با ابعاد گسترده‌تری به‌ویژه در نظریه توسعه انسانی، از سوی آمارتیاسن تکامل یافت؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر نظریه‌پردازان متعددی همچون هاسمن و مک فرسون (۲۰۰۶)، کامرر (۲۰۰۳)، روثمر (۱۹۹۸)، یانگ (۱۹۹۵)، سن (۱۹۸۷)، گریفین (۱۹۸۶)، و سن و ویلیامز (۱۹۸۲) بر روی مقوله اخلاق در اقتصاد و توسعه متمرکز شدند.

همواره روآوری به اخلاق و بکارگیری آن در کنش‌های اجتماعی، یکی از توصیه‌های ادیان مختلف به‌ویژه اسلام بوده است. لذا می‌توان رابطه وثیقی بین دین و اخلاق تعریف نمود.

دین و اخلاق

۱. رابطه دلالت‌شناسانه

۲. رابطه وجودشناسانه یا هنجاری

۳. رابطه معرفت‌شناسانه

۴. رابطه روانشناسانه

اخلاق و توسعه

- نظریه‌های اخلاقی هیوم و بنتام با مباحث توسعه ارتباط وثیقی دارد.
- فایده‌گرایی لذت محور بنتامی، لذت بردن از امور دنیوی را تئوریزه می‌کند و به آن رسمیت می‌بخشید.
- بنتام معتقد بود که لذا بدنیوی مؤلفه‌هایی چون شدت، مدت، خلوص و... دارند که با آن‌ها می‌توان میزان لذت را محاسبه کرد.

در بین مکاتب اخلاقی مغرب زمین، فایده‌گرایی بیش از فضیلت‌گرایی و وظیفه‌گرایی کانتی، به توسعه و مباحث پیرامونی آن نزدیک‌تر است.

فرهنگ و توسعه

هرچند مقوله «فرهنگ» در نگاه نظریه‌پردازان نسل اول و دوم توسعه، مغفول مانده است؛ اما در مفهوم توسعه از منظر نظریه‌پردازان نسل سوم، «فرهنگ» به‌عنوان یکی از ارکان توسعه پذیرفته شده است؛ آمارتیاسن یکی از پیشگامان نظریه‌پرداز نسل سوم توسعه، انسان را محور توسعه دانسته است. از این‌رو به بعد فرهنگی در کنار ابعاد دیگر توسعه تأکید می‌نماید.

با این رهیافت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در کنار شاخص‌های اقتصادی، حقوق انسانی و آزادی‌های مدنی و همچنین شاخص‌های پایداری محیطی به‌عنوان مؤلفه‌های توسعه انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

شکل ۱۱: پرسش ششم و پاسخ آن

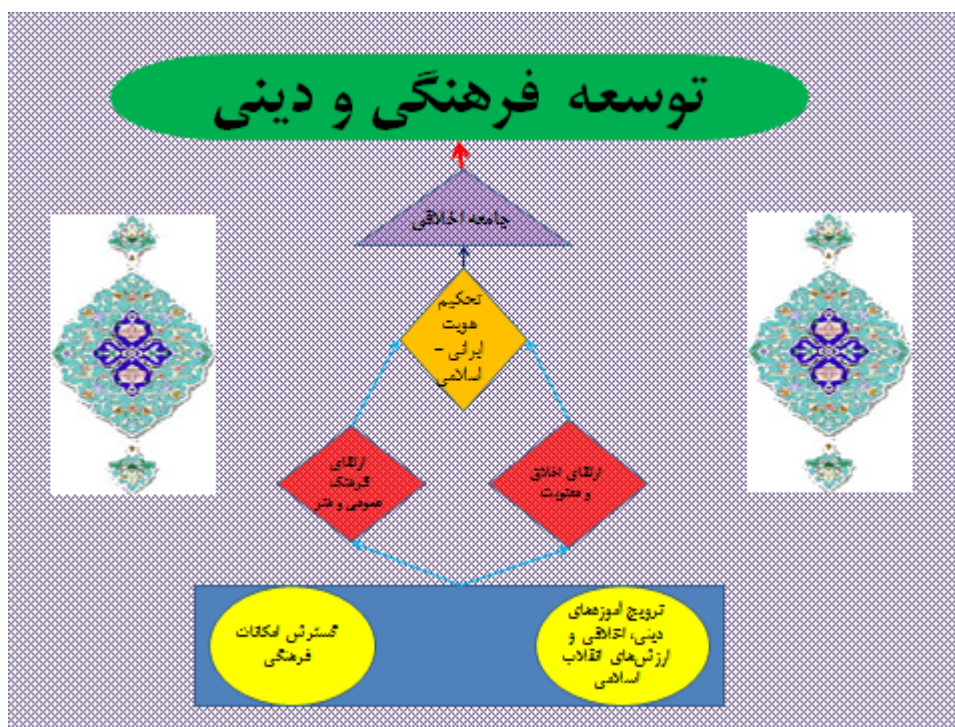
به بحث فرهنگ هم پرداخته شده است. در این کتاب به فرهنگ از این منظر که چطور و از چه وقت وارد بحث اقتصاد شد؟ از چه وقت وارد مبانی فرهنگی کسب و کار شد؟ یک مرور نظری داشته‌ایم. بحث فرهنگ ما که برگرفته از دینمان است در اینجا نه تنها به عنوان یک بُعد از توسعه، بلکه به عنوان یک زیربنایی از توسعه مطرح شده و چگونگی توسعه فرهنگی و دینی در کتاب مفصلاً توضیح داده شده است.

پرسش ششم و پاسخ آن؛ جایگاه فرهنگ در الگوهای توسعه

فرهنگ در الگوی مطلوب توسعه ایرانی- اسلامی از جایگاه رفیع و بی‌بدیلی برخوردار است، زیرا فقدان توسعه فرهنگی در فرآیند توسعه با وجود ظهور ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن موجودیت توسعه را به چالش می‌کشد؛

از این رو توسعه مورد نظر در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نوعی توسعه فرهنگی دانست. با عنایت به اینکه سیاست‌های فرهنگی نظام ملهم از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی است، بنابراین نظریه اخلاقی رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران در بین نظریه‌های تکلیف‌گرا و غایت‌گرا، در زمره نظریه‌های تکلیف‌گرا، قابل طبقه‌بندی بوده که ملهم از آموزه‌های دین مبین اسلام است. از این رو فرهنگ در الگوی مطلوب توسعه ایرانی - اسلامی دارای جایگاهی ممتاز و بی‌بدیل بوده؛ به طوری که با تعمیق مفهوم توسعه و انسان از توسعه مورد نظر نوعی توسعه انسانی دین‌محور مستفاد می‌گردد.

شکل ۱۲: ادامه پرسش ششم و پاسخ آن



شکل ۱۳: ادامه پرسش ششم و پاسخ آن

انواع بودجه‌ریزی

- بودجه‌ریزی تا اوایل قرن بیستم نوعاً با روش سنتی (TB) و به صورت سندی از اجزای درآمدها و هزینه‌ها بود که از سوی دولت برای یک سال مالی تهیه و در پارلمان به تصویب می‌رسید.
- نخستین تحول در بودجه‌ریزی از سال ۱۹۰۷ با استفاده از روش بودجه‌ریزی برنامه‌ای شکل گرفت.
- در سال ۱۹۴۹ به پیشنهاد کمیسیون هور روش بودجه‌ریزی عملیاتی به عنوان روش جدیدی از بودجه‌ریزی با هدف ارتقای کارایی به همه بخش‌ها توصیه گردید.
- روش جدیدتر با عنوان نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی PPBS مطرح شد.
- به دلیل ضرورت افزایش و ارتقای کارایی در تخصیص، منابع روش دیگری از بودجه‌ریزی با عنوان بودجه‌ریزی بر مبنای صفر ZBB از اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح شد.
- روش دیگر بودجه‌ریزی که از اواسط دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت بودجه‌ریزی غلتان یا منعطف RB بود.
- در نهایت روش بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (PBB) در دستور کار قرار گرفت.

شکل ۱۴: انواع بودجه‌ریزی

آخرین بحث در خصوص بودجه بود. قرار ما این شد که اگر می‌خواهیم به اهداف توسعه دست پیدا کنیم، باید یک برنامه داشته باشیم. سیاست و برنامه در قالب‌های یک ساله، «بودجه» می‌شود. بودجه ما کدام است؟ با کدام بودجه؟ مروری از سال ۱۷۳۰ در خصوص بودجه‌ریزی که کشورهای عمدتاً اروپایی داشته‌اند تا اوایل قرن بیستم که بودجه‌های سنتی به بودجه‌های برنامه‌ای تبدیل شد، بودجه‌های برنامه‌ای از سال ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ به خصوص از زمانی که آقای هورر مطالعاتی را انجام داد تا بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا خودش را بسازد. اتفاقاً آقای هورر، رئیس‌جمهور آمریکا بود که از بخت بدش مقارن با سال ۱۹۳۰ و دوران رکود بزرگ بود. در جنگ جهانی دوم، اروپا هم در هم کوبیده شد. کشور آمریکا که خودش هم کمتر خسارت دیده بود، به عنوان ناجی ورود کرد و جهان را اداره کرد. مدل بودجه‌ریزی بر مبنای عملیات یا بودجه‌ریزی عملیاتی از آنجا مطرح شد. پس از آن به مجدداً از سال ۱۹۹۲ به بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و انواع و اقسام بودجه‌ریزی در اینجا مطرح شد.

همه سیاست‌های فرادست و اسنادمان و سازوکارهای بودجه‌ای که تا الآن وجود داشت را در یک جدول مقایسه کردیم تا ببینیم ما از چه نوع بودجه‌ای می‌توانیم استفاده کنیم؟

جدول ۴: سیاست‌ها و ویژگی‌های مطلوب بودجه

نوع بودجه و روش تحقق	سیاست‌ها و ویژگی‌های مطلوب بودجه
بودجه اقتصادی	تناسب شاخص‌های کمی کلان از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی در بودجه سالیانه با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز «سند چشم‌انداز»
بودجه‌ریزی عملیاتی	تبدیل نظام بودجه‌ریزی کشور به بودجه‌ریزی عملیاتی «بند ۳۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه»
بودجه اقتصادی	ارتباط کمی و کیفی میان برنامه پنج‌ساله و بودجه‌های سالیانه با سند چشم‌انداز «بند ۳۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه»
استفاده از دستورالعمل GFS	شفافیت و قابلیت نظارت
بودجه‌ریزی عملیاتی	ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی «یکی از اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»
استفاده از دستورالعمل GFS	توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی «بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»
استفاده از دستورالعمل GFS	تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت «بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»
استفاده از دستورالعمل GFS	افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصادی کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم «بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»
بودجه اقتصادی	ساختار بودجه باید به گونه‌ای باشد که همراه با شفافیت اطلاعات مصالح اجتماعی را تأمین کند. (شبییری‌نژاد، ۱۳۸۱)
بودجه اقتصادی	بودجه هزینه و درآمد دولت باید در حساب‌های ملی گنجانده شود و آثار متغیرهای بودجه بخش عمومی و اثر واقعی هرگونه اصلاح یا فرم بودجه بر وضع مردم در کشور مورد بررسی قرار گیرد. (توفیق، ۱۳۸۱)
استفاده از دستورالعمل GFS	مصارف بودجه باید در کنار منابع بودجه‌ای به تفکیک بخش‌های اقتصادی و برحسب مناطق مشخص شوند (خلعتبری، ۱۳۸۲)
بودجه اقتصادی و استفاده از دستورالعمل GFS	وضوح کامل نقش‌ها و مسئولیت دولت دسترسی عام به اطلاعات مربوط به فعالیت‌های دولت آشکار بودن تهیه بودجه، اجرا و اطلاع‌رسانی آن تأیید جامعیت اطلاعات بودجه‌ای به نحوه مقتضی (گزارش مجموعه تجربیات مفید صندوق بین‌المللی پول در شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	مرز بین بخش دولتی از سایر بخش‌های اقتصادی باید به وضوح ترسیم شود و وظایف سیاست‌گذاری و مدیریت در درون دولت به خوبی تعریف و مشخص گردد.

نوع بودجه و روش تحقق	سیاست‌ها و ویژگی‌های مطلوب بودجه
	(دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در باب شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	باید چارچوبی اداری و حقوقی برای مدیریت مالی وجود داشته باشد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در باب شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	کلیه اطلاعات مربوط به گذشته، حال و پیش‌بینی آینده فعالیت‌های مالی دولت باید به اطلاع عموم برسد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در باب شفافیت بودجه‌ای)
بودجه اقتصادی	مستندسازی بودجه باید به نحوی باشد که اهداف سیاست مالی، چارچوب کلان اقتصادی، مبنای سیاست‌های بودجه‌ای و خطرهای مالی مهم و قابل تشخیص به صراحت ذکر شود. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
بودجه اقتصادی	باید در بودجه سالیانه بین تعهدات فعلی و سیاست‌های جدید تمایز قائل شد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	داده‌های بودجه‌ای باید به نحوه طبقه‌بندی و ارائه شوند که تجزیه و تحلیل سیاست مالی تسهیل شود و میزان پاسخ‌گویی افزایش یابد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	روش‌های اجرا و نظارت بر مخارج مصوب باید به دقت مشخص شود. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	گزارش بودجه‌ای باید به‌موقع، فراگیر و قابل اعتماد باشد و انحرافات از بودجه را نشان دهد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	یکپارچگی اطلاعات بودجه‌ای باید در معرض بررسی دقیق، مستقل و همگانی قرار گیرد. (دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول درباره شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	وظایف و مسئولیت‌های دولت باید در قالب حساب‌های مالی (SNA, ۱۹۹۳) یا در قالب آمار مالی (GFS, ۱۹۹۳) باشد (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
استفاده از دستورالعمل GFS	دارایی‌های دولت باید مشخص شود (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه‌ریزی عملیاتی	مجوز اخذ مالیات باید مطابق قانون صادر شود و اجرای قوانین مالیاتی در عمل باید از آئین‌نامه‌ها تبعیت کند (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه‌ریزی تحلیلی	فعالیت‌های فرا بودجه‌ای باید در اسناد بودجه و گزارش‌های حسابداری منعکس شوند (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
استفاده از دستورالعمل GFS	تخمین‌های اولیه و تجدیدنظرشده بودجه دو سال متوالی قبل از سال جاری باید در اسناد بودجه منعکس شوند (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
استفاده از دستورالعمل GFS	سطح و ترکیب بدهی دولت باید به‌طور سالیانه با یک وقفه حداکثر شش‌ماهه گزارش شود (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).

نوع بودجه و روش تحقق	سیاست‌ها و ویژگی‌های مطلوب بودجه
بودجه اقتصادی	همراه با بودجه، گزارش با دیدگاه اقتصادی و بودجه‌ای باید ارائه شود که شامل اطلاعات در مورد اولویت‌ها و اهداف سیاست بودجه‌ای، خلاصه از چشم‌اندازهای اقتصادی و یک گزارش کیفی در مورد وضعیت مستمر بودجه‌ای باشد (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه اقتصادی	یک گزارش در مورد خطرات بودجه‌ای نیز باید با اسناد بودجه ارائه شود که اثر تغییر در مفروضات (زیربنایی)، پیش‌بینی‌های مالی، بدهی‌های احتمالی و سایر عدم قطعیت‌های اصلی مترتب بر هزینه برنامه‌های خاص را تحت پوشش قرار دهد. (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای)
استفاده از دستورالعمل GFS	نظام طبقه‌بندی می‌باید وظایف اجرایی مربوط به تخصیص و استفاده از منابع عمومی را مشخص کند (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
استفاده از دستورالعمل GFS	استانداردهای حسابرسی باید با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ باشد. (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای)
بودجه اقتصادی	فرضیات و روش‌هایی که در پیش‌بینی‌های اقتصاد کلان به کار می‌روند باید برای همگان در دسترس باشد (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه اقتصادی	چارچوب بودجه‌ای میان‌مدت با جدیت به کار گرفته شود و گزارشی کاملاً شفاف از هزینه تداوم سیاست‌های جاری دولت و سازوکارهای هدایت، سیاست‌های جدید و نتایج حاصل از اجرای بودجه در میان‌مدت تهیه گردد (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه اقتصادی	باید اهداف سیاست بودجه‌ای و اهداف کمی بودجه‌ای با صراحت بیان شوند و عالی‌ترین مقامات دولتی از آن دفاع کنند (دستورالعمل ۱ شفافیت بودجه‌ای).
بودجه اقتصادی	سطحی از هزینه‌ها که هدف سیاست بودجه‌ای است باید با چشم‌اندازهای میان‌مدت اقتصاد کلان ارتباط تنگاتنگ داشته باشد.

مخلص کلام اینکه اولاً ما از یک بودجه اقتصادی می‌توانیم استفاده کنیم؛ مفهوم بودجه اقتصادی با لفظ آن متفاوت است. منظور از بودجه اقتصادی، بودجه‌ای است که آثار آن را در زندگی فرد، گروه‌های اجتماعی و در سطح ملی مشاهده می‌کنیم. بودجه ما حتماً باید این‌ها را داشته باشد. در کنار این، برای پیش‌بینی منابع و مصارف حتماً باید بر اساس بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد پیش برویم.

پرسش هفتم و پاسخ آن؛ ساختار مناسب نظام بودجه‌ریزی

با عنایت به نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصول پنجاه و دوم و یک‌صد و بیست و ششم قانون اساسی و همچنین بندهای سی‌ودو و سی‌وسه سیاست‌های کلی برنامه پنجم مبنی بر تبدیل نظام بودجه‌ریزی کشور به بودجه‌ریزی عملیاتی و برقراری ارتباط کمی و کیفی میان بودجه‌های سالیانه با اهداف برنامه پنج‌ساله و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نیز رعایت شفافیت و قابلیت نظارت بودجه از طریق بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و تجارب جهانی، فرایند تهیه و تنظیم، تدوین و تصویب و نیز اجرا و نظارت در ساختار نظام بودجه‌ریزی کشور به شرح نمودار صفحه بعد پیشنهاد می‌شود.

شکل ۱۵: انواع بودجه‌ریزی

البته من این بحث را قبل از اینکه به سازمان بیایم، مطرح کردم. اینکه روش بودجه‌ریزی ما چه باید باشد؟ اگرچه در کتاب هم آورده شده، اما به صورت یک کار تحقیقاتی در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است. ما ملهم از سند چشم‌اندازمان، سیاست‌های کلی برنامه را به دست می‌آوریم. این را در قالب قانون برنامه به دو بخش می‌آوریم. یک بخش سند بودجه اقتصادی که باید مجلس تصویب کند. در اینجا آثار این بودجه را به نمایندگان مردم در یک شیوه مردم‌سالار باید بگوییم که بر سر مردم چه خواهد آورد؟ به فرد چه خواهد گذشت؟ برای گروه‌ها چه آثاری خواهد داشت؟ در سطح اقتصاد ملی چه خواهد کرد؟ آن بخشی که بودجه‌ریزی بر مبنای عملیاتی است، به مجلس می‌دهیم، اما مجلس نباید آن را تصویب کند. چون اصلاً وقت تصویب را پیدا نمی‌کند. گرچه الآن تصویب می‌کند، اما یک مهر از همان اول زیر آن می‌زنند. آیا مجلس وقت می‌کند بودجه‌ریزی شرکت‌ها را بررسی کند؟ خیلی از ارقام و اعداد بررسی نمی‌شود، مگر اینکه نماینده‌ای ردیفی مورد نظرش باشد. پس ما آن را برای اطلاع مجلس می‌دهیم، اما آنچه که باید از ما توضیح بخواهند و بررسی کنند این است و شاخص‌های نظارتی هم در این بحث راجع به این بودجه گفته شد.

سند چشم‌انداز:

مشمول بر: اهداف راهبردی و بلندمدت که طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از سوی مقام معظم رهبری و با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین و برای اجرا ابلاغ می‌شود.

سند سیاست‌های کلی برنامه:

مشمول بر: جهت‌گیری‌های لازمی است که در راستای تحقق اهداف کلی در سند چشم‌انداز برای دوره زمانی برنامه میان‌مدت، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از سوی مقام معظم رهبری و با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین و برای تهیه برنامه میان‌مدت به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود.

قانون برنامه میان‌مدت «پنج‌ساله»:

مشمول بر: اهداف اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، دفاعی در سطح کلان، بخشی و منطقه‌ای به‌همراه منابع موردنیاز و مصارف مورد لزوم برای دوره زمانی برنامه، که در راستای سیاست‌های کلی برنامه از سوی دولت، تهیه و توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد.

گزارش توجیهی: شامل اطلاعاتی شفاف از آخرین وضعیت کشور و عملکرد قانونی برنامه، مستند به شاخص‌های کمی و مقایسه آن با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه که توسط دولت تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

سند بودجه اقتصادی:

شامل چگونگی تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، امنیتی و دفاعی و ... در سال مورد نظر مستند به شاخص‌های کمی کلان، بخشی و منطقه‌ای و آثار آن برای زندگی مردم در دوره اجرایی بودجه و آینده است که از سوی دولت تهیه و توسط مجلس شورای اسلامی بررسی و تصویب می‌شود.

سند بودجه عملیاتی:

شامل: ۱- پیش‌بینی منابع موردنیاز در مصارف مورد لزوم که در جهت تحقق اهداف تعیین شده در بودجه اقتصادی در سطح کلان، بخشی و منطقه‌ای و با استفاده از دستورالعمل GFS، از سوی دولت تهیه و توسط مجلس شورای اسلامی بررسی و تصویب می‌شود.

۲- گزارش تفصیلی و شفاف از بودجه دستگاه‌های بخش عمومی، که با استفاده از روش بودجه‌ریزی عملیاتی به عنوان اسناد پشتیبان بودجه از سوی دولت تهیه و جهت اعمال نظارت‌های بعدی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد.

شاخص‌های نظارتی:

مشمول بر: شاخص‌های کمی ملهم از اسناد فرادستی اعم از سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه و نظام، قانون برنامه پنج‌ساله و قانون بودجه سالیانه که به منظور اعمال نظارت حین اجرای بودجه، توسط قوه مقننه (دیوان محاسبات)، قوه مجریه (سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان‌های ذی‌ربط) قوه قضائیه (سازمان بازرسی کل کشور) و مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون نظارت) و به تناسب تهیه و مبنای نظارت قرار می‌گیرد.

گزارش‌های نظارتی:

مشمول بر: ارائه گزارش شفاف از نتایج اعمال نظارت از سوی: ۱- دیوان محاسبات؛ ۲- سازمان بازرسی کل کشور؛ ۳- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و یا سازمان ذی‌ربط؛ ۴- کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به منظور ارائه به: ۱- مقام معظم رهبری؛ ۲- مردم؛ ۳- مجلس شورای اسلامی.

جمع‌بندی نهایی و پیشنهادی مقدماتی برای الگوی مفهومی توسعه ایرانی -

اسلامی

جمع‌بندی نهایی و پیشنهادی مقدماتی برای الگوی مفهومی توسعه ایرانی - اسلامی

توسعه مطلوب در سند چشم‌انداز بیست‌ساله به جهت برخورداری از ابعاد «اقتصادی»، «علم و فناوری»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «دفاعی و امنیتی» و «فرهنگی و دینی» توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن و به‌دلیل استفاده بهینه از منابع، حفاظت از محیط‌زیست و رعایت پایداری محیطی، نوعی توسعه پایدار و با وجود رویکردی دانایی‌محور، توسعه‌ای دانش‌بنیان است.

با عنایت به اینکه توسعه مورد نظر از یک سو جامع شاخص‌های توسعه انسانی است که مغایرتی با آموزه‌های اسلامی ندارد و از سوی دیگر دربردارنده مفاهیمی است که مبتنی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی و با محوریت دین مبین اسلام است؛

لذا می‌توان آن را توسعه انسانی دین‌محور دانست.

شکل ۱۶: جمع‌بندی نهایی و پیشنهاد مقدماتی برای الگوی مفهومی توسعه ایرانی - اسلامی

نگاهی به الگوی پیشنهادی

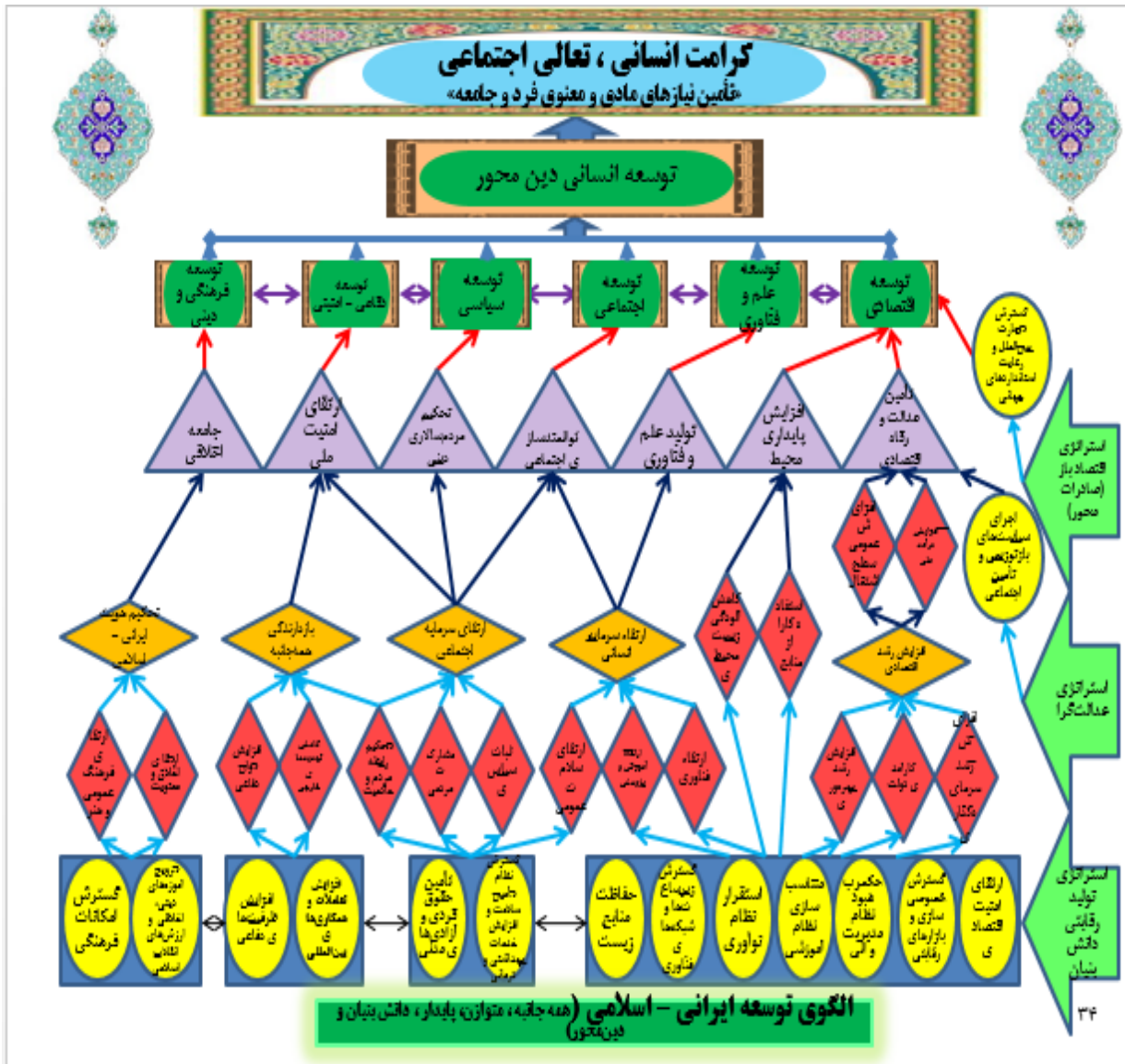
الگوی توسعه ایرانی - اسلامی که متناسب با مقتضیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرد و جامعه و به منظور حفظ کرامت انسانی و تعالی اجتماعی طراحی شده است، همان‌طور که در نمایه پیوست نشان داده شده است این الگو از ۳ استراتژی، ۴ بسته، مشتمل بر ۱۵ اقدام اجرایی (به عنوان متغیرهای مستقل) و ۱۷ نتیجه مقطعی، ۵ برآیند نتایج مقطعی و ۷ هدف بخشی (به عنوان متغیرهای وابسته) و ۶ بعد از ابعاد توسعه به عنوان هدف تشکیل شده است، که در تعامل با یکدیگر آرمان نظام را محقق می‌نمایند.

با همه این اوصاف این الگوی مفهومی که ما برگرفته از این اسناد و شرایط خواهیم داشت دارای ابعاد اقتصادی، علم و فناوری اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، فرهنگی و دینی است. در این مدل و ۳ استراتژی متناسب با این مراحل و اقدامات و بسته‌های اجرایی و ۷ بعد، هدف آن است که بتوانیم به توسعه انسانی دین‌محور برسیم که در آنجا کرامت انسانی و تعالی اجتماعی مطرح است این کتاب مشروح در حد ۷۰۰ - ۸۰۰ صفحه است که همه این‌ها در آن کتاب توضیح داده شده است.

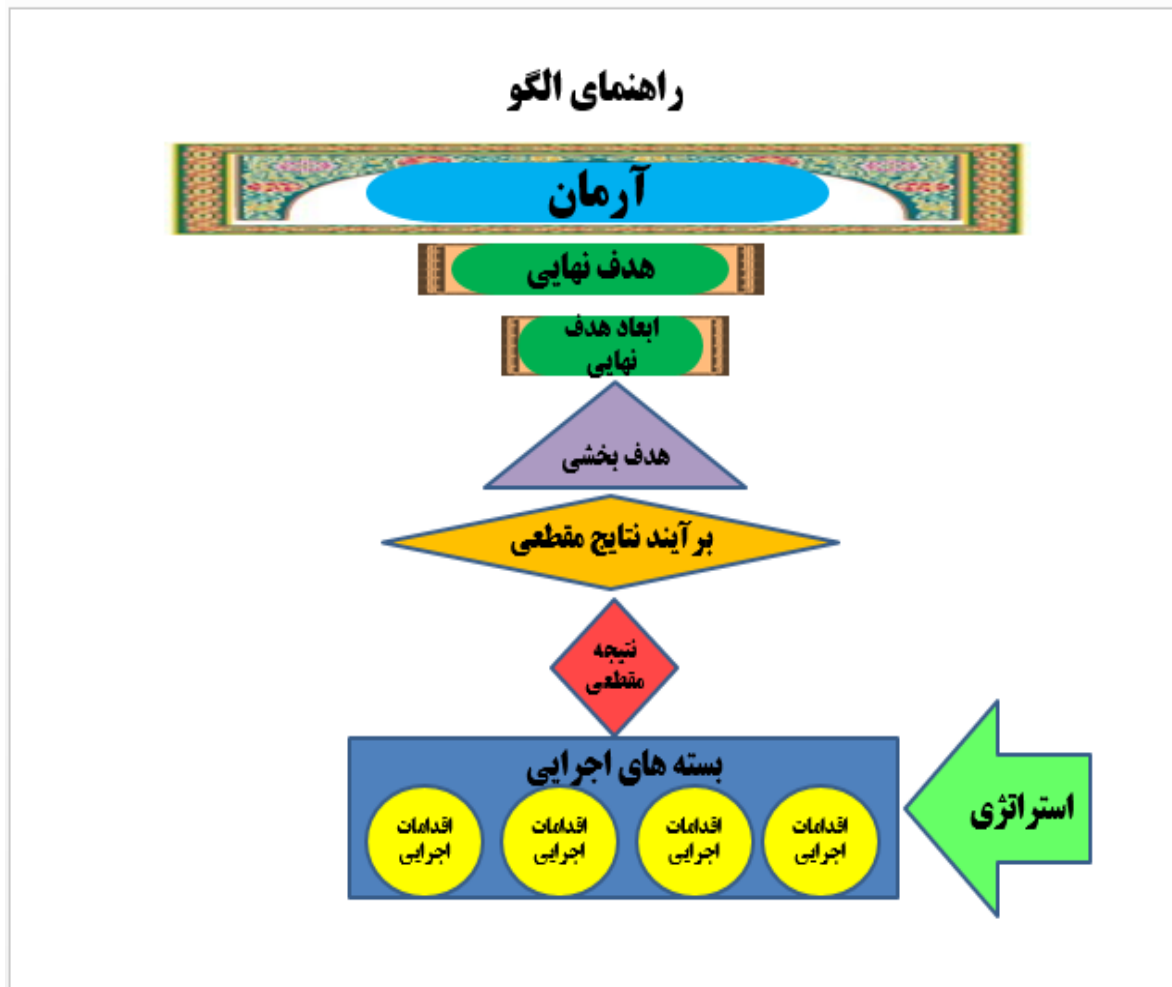
شکل ۱۷: الگوی پیشنهادی

با همه این اوصاف این الگوی مفهومی که ما برگرفته از این اسناد و شرایط خواهیم داشت دارای ابعاد اقتصادی، علم و فناوری اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، فرهنگی و دینی است. در این مدل و ۳ استراتژی متناسب با این مراحل و اقدامات و بسته‌های اجرایی و ۷ بعد، هدف آن است که بتوانیم به توسعه انسانی دین

محور برسیم که در آنجا کرامت انسانی و تعالی اجتماعی مطرح است این کتاب مشروح در حد ۷۰۰-۸۰۰ صفحه است که همه این‌ها در آن کتاب توضیح داده شده است.



شکل ۱۸: جمع‌بندی نهایی



شکل ۱۹: راهنمای الگو

البته از سال ۱۳۹۲ این سعادت پیش آمد که در خدمت سازمان برنامه و بودجه کشور و شما باشیم. ولی خواهش می‌کنم این کتاب را مطالعه کنید و گام‌های تکمیلی را بردارید. در واقع این تحقیق یک درفت و پیش‌نویس است. هیچ‌گاه بنده چنین ادعایی ندارم که این کتاب الگوی ایده‌آل است، اما اگر به سمت الگوی ایده‌آل برویم، نمی‌توانیم از این چهارچوب‌ها خارج شویم. ان شاء الله همه اساتید و پژوهشگران و همکاران به عنوان یک کار تیمی در سازمان برنامه و بودجه این مطالعه را تکمیل کنند. همواره می‌گویند مأموریت اصلی ما راهبری و رصد توسعه کشور است. توسعه کشور را به عهده ما گذاشته‌اند. اگر قرار است این مباحث در جایی بحث شود، اینجاست. من از مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان می‌خواهم که راهبری و رصد توسعه کشور را پیگیری کند.

به نظرم دوازده شگاه‌ها، اساتید، محققین و صاحب‌نظران به جای اینکه از مراکز مختلف ایده بگیرند، با توجه به جایگاه و توانایی سازمان برنامه و بودجه کشور و ارتباطش با نهادهای کشور باید به تحقیقات و بررسی‌های این سازمان توجه کنند و این سازمان باید حرف‌نهایی را در مورد توسعه کشور بزند.

از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار این‌جانب قرار دادید متشکرم و متعاقباً انتظار دارم با ارائه نظرات و انتقادات خود این بحث مهم ملی را تکمیل فرمایید.

تصاویر:



